



عنوان دوره آموزشی :

اختصارات و اصطلاحات پزشکی ۲

بهار ۱۳۹۷



مقدمه	۵
فصل اول: تعریف و اصطلاحات پزشکی بیماری های عفونی و انگلی	۱۶
فصل دوم: تعریف و اصطلاحات پزشکی سیستم غدد درون ریز ، تغذیه و متابولیسم	۳۰
فصل سوم: تعریف و اصطلاحات پزشکی بیماری های سیستم عصبی	۳۷
فصل چهارم : تعریف و اصطلاحات پزشکی سیستم پوست و مو	۵۴

گروه هدف آموزشی:

- مسئول پذیرش و مدارک پزشکی
- کاردان پذیرش و مدارک پزشکی
- کارشناس پذیرش و مدارک پزشکی

اهداف آموزشی:

- اختصارات رایج پزشکی
- تعریف اصطلاحات رایج
- موارد استفاده از اختصارات

روش و نحوه اجرای آموزش:

نحوه آموزش بصورت تئوری از طریق مطالعه جزوه می باشد و ارزشیابی بصورت سوالات چهار گزینه ای

بصورت مفهومی می باشد.

مقدمه

اصطلاح شناسی پزشکی یا زبان پزشکی به مجموعه واژگان و اصطلاحات پزشکی که برای توصیف بیماری ها و اختلالات بالینی و اجزای بدن انسان به کار می رود اطلاق می شود.

همچنین اصطلاحات پزشکی یک واژه نامه مخصوص است که توسط متخصصان مراقبت بهداشتی استفاده می شود تا بتوانند ارتباط صحیح و کار آمد ایجاد کنند.

اصطلاحات واژه های ساده و پرکاربردی هستند که برای بیان یک مفهوم خاص انتخاب شده اند. برای مثال اصطلاح فشارخون به طور خاص به افزایش فشار در شریان های مرکزی و محیطی اشاره دارد.

اصطلاحات پزشکی به وسیله ترکیب پیشوندها و پسوندها با ریشه کلمات ساخته می شوند. ریشه کلمات معمولاً از زبان های یونانی و یا لاتین به عاریت گرفته می شوند. در ساخت واژه های جدید قواعد زبان شناختی به کار می رود که باعث ایجاد سادگی در آوایش واژه ها می شود. مطالعه ریشه کلمات در ریشه شناسی بررسی می شود. این کلمات در سراسر جهان به صورت هماهنگ و یکنواخت می باشد. کلیه مراقبان بهداشتی و درمانی نیازمند شناخت اصطلاحات پزشکی هستند.

اجزای مختلف اصطلاحات پزشکی شامل :

تکواژ. Morpheme

ریشه کلمه. Word root

پیشوند. Prefix

پسوند. Suffix

شرح مختصری از عبارات فوق :

(۱) ریشه کلمه

قسمت اصلی هر لغت را تشکیل می دهد و معنی اصلی کلمه را در بر می گیرد . بخشی از کلمه است که پیشوندها و پسوندها برای تغییر معنی کلمه به آن اضافه می شوند.

همه ریشه ها کلمات کاملی نیستند . گاهی اوقات شما مجبورید ترکیب یک لغت را قبل از تعیین معنی آن در نظر بگیرید.

اصطلاح پزشکی ممکن است از یک یا چند ریشه تشکیل شده باشد و غالباً آنها مربوط به اعضای بدن می باشند به این اصطلاحات ، اصطلاح ترکیبی می گویند.

درد مفاصل Arthr-algia

در آوردن کلیه Nephro-ectomy

حساسیت به نور Phot-o-sensitive

درجه حرارت پایین Hyp-o-therm-ia

مربوط به قلب و عروق خونی Cardiovascular

مربوط به دستگاه ادراری و سیستم تناسلی Urogenital

(۲) پیشوندها

کلمه یا جزء کوتاهی است که قبل از یک کلمه یا ریشه برای تغییر در معنی آن اضافه می شود.

مانند pre به معنی قبل

(۳) پسوندها:

کلمه یا مجموعه کوتاهی است که به انتهای ریشه برای تغییر در معنی آن اضافه می شود . مانند (it is) به معنی التهاب پسوند ممکن است نشان دهد که یک کلمه اسم است یا صفت و اغلب چگونگی توصیف یک کلمه را تعیین می کند.

فهرست برخی ریشه‌ها، پیشوندها و پسوندهای شایع در واژه‌های پزشکی

عنوان	مفهوم	نمونه ای از اصطلاحات پزشکی رایج
a-, an-	عدم , بدون	Analgesic, apathy
ab-	از: دور از	Abduction
abdomin(o)-	شکم	Abdomen
-ac, -acal	پسوند نسبیت	cardiac, hydrophobic
acr(o)-	انتها, بالاترین	Acrocrany, acromegaly,
-ad	به سوی, در راستای	dorsad
ad-	در, افزایش , روی , به سوی	Adduction
aden(o)-,	غده	Adenocarcinoma, adenology,
adip(o)-	چربی یا بافت چربی	Adipocyte
adren(o)-	غده فوق کلیه	adrenal artery
aer(o)-	هوا, گاز	Aerosinusitis
aesthesio- (BrE)	حس	Anesthesia
-al	پسوند نسبیت	abdominal, femoral
alb-	سفید یا رنگ پریده	Albino
alge(si)-	درد	Analgesic
-algia, alg(i)o-	درد	Myalgia
ambi-	مستقر در دو جهت, اشاره به "هر دو"	Ambidextrous
amni-	اشاره به کیسه غشایی جنین	Amniocentesis
an-	نه, بدون	Analgesia
ana-	عقب, دوباره, بالا	Anaplasia
an-	مقعد	anal
andr(o)-	اشاره به مرد	Android, andrology
angi(o)-	رگ	Angiogram
aniso-	نامتعادل , غیریکنواخت	Anisocytosis, anisotropic
ankyl(o)-	کج شده, خم شده	Ankylosis
ante-	قرار گرفتن چیزی در جلوی چیز دیگر	ante partum
anti-	برعکس, برخلاف	Antibody, antipsychotic
apo-	دور, جدا از, مشتق از	Apoptosis
arch-	نخست, ابتدایی	archinephron
arsen(o)-	مربوط به جنس مذکر	arsenoblast
arteri(o)-	مربوط به رگ	Arteriole, artery

Arthritis	مربوط به مفصل یا اندام	arthr(o)-
Articulation	مفصل	articul(o)-
Lactase	آنزیم	-ase
Myasthenia gravis	ضعف	-asthenia
medication	فرایند	-ation
atrioventricular	دهلیز	atri(o)-
Aural	مربوط به گوش	aur(i)-
Autoimmune	خود	aut(o)-
Auxocardia , Auxology	افزایش؛ رشد	aux(o)-
Axilla	مربوط به زیر بغل	axill-
Binary	دو بار، دو بل	bi-
Biology	زندگی	bio-
Blepharoplast	مربوط به پلک	blephar(o)-
Brachium of inferior colliculus	مربوط به بازو	brachi(o)-
Bradycardia	آهسته	brady-
Bronchiolitis obliterans	مربوط به نای	bronch(i)-
Buccolabial	مربوط به گونه	bucc(o)-
Capillus	مربوط به مو	capill-
Capitation	مربوط به سر	capit-
Carcinoma	سرطان	carcin(o)-
Cardiology	مربوط به قلب	cardi(o)-
Carpopedal	مربوط به مچ	carp(o)-
Cataract	پایین، زیر	cata-
Hydrocele, Varicocele	کیسه، فتق	-cele
Amniocentesis	آسپیراسیون	-centesis
Cephalalgia	مربوط به سر	cephal(o)-
Ceratoid	مربوط به شاخ	cerat(o)-
Cerebellum	مربوط به مخچه	cerebell(o)-
Cerebrology	مربوط به مغز	cerebr(o)-
Cervicodorsal	مربوط به گردن	cervic-
Chemotherapy	شیمی، دارو	chem(o)-
Chiropractor	مربوط به دست	chir(o)-, cheir(o)-
Cholaemia (UK)/ Cholemia (US),	مربوط به صفرا	chol(e)-
Cholecystectomy	مربوط به کیسه صفرا	cholecyst(o)-

Chondrocalcinosis	غضروف، گرانول، گرانولی	chondr(i)o-
Hemochromatosis	رنگ	chrom(ato)-
bacteriocidal	کشتن، تخریب	-cidal, -cide
Ciliary	مربوط به مژه، مژه ای، پلکی	cili-
Circumcision	اشاره به استقرار یک چیز حول چیزی	circum-
	در این سمت	cis-
osteoclast	شکستن	clast
Clostridium difficile	دوک	clostr-
coenzymes	با، همراه، در کنار	co-
Colonoscopy	روده بزرگ	col-, colo-,
Colposcopy	مربوط به واژن	colp(o)-
	با، همراه	com-
Contraindicate	برخلاف	contra
	با، همراه	cor-
Corectomy	مربوط به مردمک	cor-, core-, coro-
Commotio cordis	مربوط به قلب	cordi-
coronary	تاج	coron(o)-
Costochondral	مربوط به دنده	cost(o)-
Coxopodite	مربوط به لگن یا استخوان خاصه	cox-
Craniology	جمجمه ای	crani(o)-
Endocrine	ترشح	-crine, crin(o)
Cryoablation	سرما	cry(o)-
زیرجلدی	پوست	cutane-
Cyanopsia	اشاره به رنگ آبی	cyan(o)-
	چرخه، سیکل	cycl-
Cyphosis	خمیده	cyph(o)-
Cystotomy	مربوط به مثانه	cyst(o)-, cyst(i)-
Cytokine, leukocyte	سلول	cyt(o)-, -cyte
Dacryocystitis	اشک	dacryo-
dactylogy, polydactyly	مربوط به انگشت	-dactyl(o)-
dehydrate	دور از، توقف، فقدان	de-
Dentist	دندانی	dent-
Dermatology	پوستی	dermat(o)-,
arthrodesis	اتصال، جوش دادن	-desis

Dextrocardia	راست، در سمت راست	dextr(o)-
Diplopia	دو	di-
dialysis	از طریق	dia-
different	دور از، جدا	dif-
Digit	مربوط به انگشت	digit-
polydipsia, hydroadipsia, oligodipsia	پسوندی به معنی "حالت تشنگی"	-dipsia
Dissection	جداسازی	dis-
dorsal, Dorsocephalad	مربوط به پشت	dors(o)-, dors(i)-
Dromotropic	دویدن، هدایت، کورس	dromo-
Duodenal atresia	دوازدهه	duodeno-
Hand strength dynamometer	انرژی، توان، نیرو	dynam(o)-
Vulvodinia	درد	-dynia
Dysphagia, dysphasia	بد، دشوار، معیوب، غیرطبیعی	dys-
esophageal, Perineum perineal	پسوند نسیت	E-eal
Ectopia	خارج، دور	ec-
Ectoblast, ectoderm	بیرون، خارج	ect(o)-
Bronchiectasis, telangiectasia	اتساع، گشاد شدن	-ectasia, -ectasis
Mastectomy	اشاره به عمل جراحی یا جدا کردن	-ectomy
Hematemesis	استفراغ	-emesis
Anemia	خونی	-emia
Encephalogram	مغزی	encephal(o)-
Endocrinology, endospore	اشاره به درون یا داخل چیزی	endo-
Eosinophil granulocyte	قرمز	eosin(o)-
Gastroenterology	روده ای	enter(o)-
epidermis, epidural, episclera,	روی، بالای	epi-
Episiotomy	مربوط به ناحیه شرمگاهی	episi(o)-
Erythrocyte	قرمز	erythr(o)-
Esophagus	مری	-esophageal, -
Esthesia	حس	esthesio-
Eukaryote	درست، خوب، نو، صحیح	eu-
exophthalmos	بیرون از، خارج از	ex-
Exoskeleton	اشاره به استقرار یک چیز در خارج از	exo-
Extradural hematoma	بیرون	extra-
Facioplegic	مربوط به صورت	faci(o)-

fibril, fibrin, fibrinous pericarditis,	رشته	fibr-
	باریک, موماند	filli-
cruciform, cuneiform, falciform	به شکل	-form
foregut	پیش از, جلوی	fore-
fossa ovalis	ناحیه فرورفته یا توخالی; تونل یا کانال	fossa
frontonasal	مربوط به پیشانی	front-
Galactorrhea	شیر	galact(o)-
Gastric bypass	مربوط به معده	gastr(o)-
(1) Endogen; (2) Heterogenous	(1) مشتق از, زاده شده از (2) اشاره	-gen
Cardiogenic shock	اشاره به "ایجادکننده" یا بوجود آورنده	-genic
Genu valgum	مربوط به زانو	genu-
Ageusia, dysgeusia, hypergeusia,	مزه, چشیدن	-geusia
Gingivitis	مربوط به لثه ها	gingiv-
Glaucoma	اشاره به رنگ خاکستری یا آبی مایل به	glauc(o)-
Glossology	مربوط به زبان	gloss(o)-
Glucocorticoid	شیرین	gluco-
Glycolysis	قند	glyc(o)-
Gnathodynamometer	آرواره ای	gnath(o)-
diagnosis, prognosis	دانش, دانستن	-gnosis
Gonorrhea	بذر, منی; تناسلی	gon(o)-
Angiogram	ثبت, تصویر	-gram, -gramme
Electrocardiograph	ابزار ثبت داده یا تصویر	-graph
Angiography	فرایند ثبت	-graphy
Gynecomastia	زن	gyno-, gynaeco-
Hematology, older form Haematology	مربوط به خون	hemat-, haemato-
Hemal, Hemoglobin	خون	hema- or hemo-
Hemangioma	رگ های خونی	hemangi or
Cerebral hemisphere	نیمه	hemi-
Hepatology	مربوط به کبد	hepat- (hepatic-)
Heterogeneous	دیگری, اضافه شده, متفاوت	heter(o)-
Hyperhidrosis	عرق	hidr(o)-
Histology	بافت	hist(o)-, histio-
Homeopathy	شبیه	home(o)-
Homosexuality	اشاره به اشتراک یا شباهت چیزی به	hom(o)-

Humerus	اشاره به شانه یا بالای بازو	humer(o)-
Hydrophobe	آب	hydr(o)-
Hypertension	بیش از حد طبیعی	hyper-
Hypovolemia,	زیر حد طبیعی	hyp(o)-
Hysterectomy, Hysteria	مربوط به رحم	hyster(o)-
Mydriasis	شکل گیری، تشکیل، وجود	-i-asis
Iatrochemistry	مربوط به پزشک یا پزشکی	iatr(o)-
Podiatry, Psychiatry	اشاره به حوزه ای خاص در طب	-iatry
Hepatic artery	پسوند نسبت	-ic
Ovarian follicle	کوچک	-icle
Obstetrics	درمان، دانش ساختارمند	-ics
Idiopathic	خود، مال خود	idio-
Ileocecal valve	ایلئوم	ileo-
Infrahyoid muscles	زیر	infra-
Interarticular ligament	بین، میان	inter-
intramural	درون، داخل	intra-
Ipsilateral	همان	ipsi-
Iridectomy	عنابیه	irid(o)-
Ischemia	محدودیت	isch-
Ischioanal fossa	مربوط به ایسکیوم یا مفصل لگن	ischio-
Dwarfism	بیماری، وضعیت	-ism
Hemiballismus	انقباض، اسپاسم	-ismus
Isotonic	برابر، معادل	iso-
Pathologist	پسوند تخصص	-ist
Hermaphrodite	ماهیت، تشابه	-ite
Tonsillitis	التهاب	-itis
pericardium	ساختار، بافت	-ium
Macrophage	بزرگ، بلند	macr(o)-
Osteomalacia	نرم شدن	-malacia
mammillaplasty, mammillitis	مربوط به نوک پستان (نیپل)	mammill(o)-
Manufacture	مربوط به دست	manu-
Mastectomy	مربوط به پستان	mast(o)-
Splenomegaly, megameter	بزرگ شدگی، میلیون	meg(a)-,
Melanin	سیاه	melan(o)-

erythromelalgia	انتها، نهایت	melos
Meningitis	غشا	mening(o)-
merocrine, meroblastic	بخش، عضو	mero-
Mesoderm	وسط	mes(o)-
Metacarpus	بعد، پشت	meta-
Sphygmomanometer	ابزار شمارش یا اندازه گیری	-meter
Optometry	فرایند اندازه گیری	-metry
Metrorrhagia	مربوط به ابزارها یا وضعیت های مرتبط	metr(o)-
Microscope	اشاره به خرد و کوچک بودن، یک	micro-
milliliter	هزار	milli-
Infectious mononucleosis	تک، منفرد	mon(o)-
Morphology	شکل، ریخت	morph(o)-
Musculoskeletal system	عضله	muscul(o)-
Myoblast	مربوط به عضله	my(o)-
Onychomycosis	قارچ	myc(o)-
Myeloblast	مربوط به نخاع یا مغز استخوان	myel(o)-
Mylohyoid nerve	مربوط به فک پایین	myl(o)-
myriad	ده هزار	myri-
Myringotomy	پرده صماخ	myring(o)-
Myxoma	مخاط	myx(o)-
radiowave	اشعه	radio-
relapse	مجدد، دوباره	re-
	رکتوم، راست روده	rect(o)-
renal	مربوط به کلیه	ren(o)-
reticulocyte	شبکه ای، توری	reticul(o)-
retroversion, retroverted	به سمت عقب، پشت	retro-
rhabdomyolysis	میله ای شکل، مخطط	rhabd(o)-
rachial, rachialgia, rachidian,	ستون مهره ها	rhachi(o)-
rhinoceros, rhinoplasty	مربوط به بینی	rhin(o)-
rhodophyte	سرخ رنگ	rhod(o)-
Hemorrhage	انفجاری، ناگهانی	-rrhage
menorrhagia	خونروی سریع	-rrhagia
	بخیه زدن	-rrhaphy
Galactorrhea, Diarrhea	روان بودن، ترشح	-rrhea (AmE)

Karyorrhesis	پارگی	-rrhexis
diarrhoea	روان بودن، ترشح	-rrhoea (BrE)
Rubrospinal	مربوط به هسته قرمز مغز	rubr(o)-
Erupt, Interrupt	پارگی، ترکیدگی	-rupt

فصل اول

تعریف و اصطلاحات پزشکی بیماری های عفونی و انگلی

بیماری‌های عفونی میکروبی :

مننژیت میکروبی : التهاب غشاء محافظ سیستم عصبی مرکزی به خاطر نایسریا مننژیتیس و یا التهاب ریه اسرپتوکوکوس

بوتولیسم (مسمومیت غذایی حاد) : انسداد عملکرد عصبی و تنفس، هم چنین فلج عضلانی اسکلتی به خاطر مواد سمی ناشی از کلستریدیوم بوتولینوم

تب مالت : ورود گونه‌های باکتری بروسلا از طریق تماس مستقیم و یا با شیر آلوده/ تصفیه نشده حیوانات

کمپیلوباکتری‌زیس : التهاب و گاهی اسهال خونی و یا دیسانتری و اسهال خونی ناشی از ژژونی کمپیلوباکتری.

بیماری خراش گربه : هم چنین به عنوان تب خراش گربه، بیماری تینی و یا لنفادنیت نیمه حاد منطقه‌ای به آن اشاره می‌شود و گفته می‌شود که از باکتری بارتونلا هنسله ناشی می‌شود. علائم بیماری بین ۷ تا ۱۴ روز و یا دو ماه بعد از خراش گربه شروع به بروز می‌کنند؛ لنفادنوپاتی منطقه‌ای رقیق، تب خفیف، سردرد، لرز، ضعف، درد شکم، کمر درد، تشنج و یا جوش چرکی بایر در محل مایه کوبی رخ می‌دهند.

وبا : انتقال ویبریو وبایی به علت مصرف آب و یا غذای آلوده که موجب اسهال می‌شود.

دیفتری : عفونت دستگاه تنفسی فوقانی به وسیله کورینه باکتریوم دیفتریایی که با گلو درد، تب با درجه پایین و یک لایه چسبنده روی لوزه‌ها، حفره بینی و حلق مشخص می‌شود.

تیفوس مسری : ناشی از باکتری شپش دار به نام پرووازکی ریکتزیا

سوزاک : بیماری شایع منتقل شده از طریق جنسی که از نایسریا سوزاکی ناشی می‌شود.

زرد زخم : عفونت سطحی پوست که از استافیلوکوکوس اورئوس و یا استرپتوکوک پیوژنز ناشی می‌شود و در گروه سنی ۲ تا ۶ سال شایع است.

بیماری کاوازاکی : به نام سندروم غدد لنفاوی نیز مشهور است و یک بیماری خود ایمنی با علت نامشخص و مرتبط با عفونت همانند عوامل ژنتیکی و محیطی مشخص است. این بیماری بر رگ‌های خونی با اندازه متوسط تأثیر می‌گذارد و با تمایل رگ‌های خونی به تورم غیر عادی مشخص می‌شود.

لژیونلوز : ذات الریه و یا بیماری تنفسی حاد آنفولانزا مانند، که از گونه‌های لژیونلا ناشی می‌شود.

جذام (بیماری هانسن) : بیماری گرانولوماتوز اعصاب محیطی و مخاط دستگاه تنفسی فوقانی به خاطر میکرو باکتریوم لپرا.

لپتوسپیروز : بیماری دو فاز با مننژیت، آسیب کبدی و نارسایی کلیوی به خاطر گونه‌های لپتوسپیروز.

لیستریا : عفونت لیستریا مونو سیتوژنز که در نوزادان، افراد مسن و بیماران نقص ایمنی رخ می‌دهد.

پرتوسیسی (سیاه سرفه) : عفونت بوردتلا پرتوسیسی که منجر به سرفه خشک شدید و به دنبال آن تپش قلب می‌شود.

طاعون : زمانی رخ می‌دهد که فرد توسط یک کک آلوده به یرسینیا پستیس گاز گرفته شود.

ذات الریه پنوموکوکی : عفونت استرپتوکوک پنومونیه ریه‌ها و سیستم تنفسی که در آن آلوئول ملتهب و پر از مایع می‌شود.

تب کیو : به خاطر تنفس ذرات آلوده موجود در هوا و یا تماس با مخاط واژن، شیر، مدفوع، منی و ادرار حیوانات آلوده به کوکسیلا بورنتی بروز می‌کند.

سالمونلوز : عفونت سالمونلا که از تب حصبه و بیماری منتقل شده از غذا ناشی می شود.

تب سرخ یا تب مخملک : عفونت ممکن است از طریق مجاری خون، پوست و یا بافت های زیرین منتقل شود.

سیفلیس : بیماری مقاربتی ناشی از باکتری تروپونما پالیدوم.

کزاز : انقباض طولانی مدت فیبرهای عضلانی اسکلتی به خاطر عفونت تتانی کلاستریدیوم.

تراخم : عفونت کلامیدیا تراکوماتیس چشم انسان که احتمالاً منجر به کوری او شود.

مرض سل : عفونت مایکو باکتریوم سلی که عموماً به ریه ها حمله می کند اما ممکن است بر سیستم عصبی مرکزی، سیستم گردش خون، سیستم لنفاوی، استخوان ها، مفاصل، سیستم ادراری تناسلی و پوست تأثیر بگذارد.

تولارمی : با عفونت باکتری تولارنسیس فرانسیسلا مشخص می شود که منجر به سردرد، خستگی، درد عضلانی، سرگیجه، تهوع، از دست دادن اشتها، التهاب صورت و چشم و غدد لنفاوی می شود.

تب حصبه : به خاطر مصرف غذا و یا آب آلوده به باکتری سالمونلا انتریکا انتریکا ایجاد می شود.

تیفوس یا حصبه : عفونت ناشی از باکتری جنوس ریکتزیا که منجر به سردرد شدید، تب بالای مداوم، درد عضلانی شدید، بثورات جلدی، سرفه، لرز، بی حسی، کاهش فشار خون و توهم می شود.

عفونت دستگاه ادراری : التهاب مثانه و یا پیلونفریت که به خاطر اشرشیا کولی و یا اورئوس ساپروفیتیکوس بروز می کند.

بیماری‌های عفونی قارچی :

آسپرژیلوس : عفونت با قارچ جنوس آسپرژیلوس که منجر به حساسیت آسپرژیلوزیس ریوی، آسپرژیلوما ریوی و یا آسپرژیلوزیس مهاجم می‌شود.

بالستو مایکوز : به علت استنشاق قارچی به نام بالستو مایسس درماتیتیدیس از زیست گاه طبیعی خاک ایجاد می‌شود.

کاندیدایازیس : عفونت کاندیدا آلبیکنس که در بخش‌های مرطوب و در معرض قرار گرفته بدن یافت می‌شود مثل واژن، فرج، آلت تناسلی، پوست ختنه گاه، گوش، سوراخ‌های بینی، حفره‌های زبان، نوک سینه، چین‌های پوست در نواحی پوشک گرفته شده.

کوکسیدو مایکوزیس : ناشی از استنشاق قارچ‌های اسپور موجود در هوا به نام آرتروکونیدیا متعلق به قارچ کوکسیدوز ایمیتیس و یا سی. پوسادسی.

کریپتوکوکوزیس : از استنشاق خاک آلوده به مخمر محصور کریپتوکوکوزیس و یا سی. گاتی ناشی می‌شود.

هیستوپلاسمازموز : عفونت کپسول هیستوپلاسما که عمدتاً بر ریه‌ها تأثیر می‌گذارد.

کچلی : عفونت به خاطر قارچ جنوس تریکوفیتون که بر ناحیه‌ی پا تأثیر می‌گذارد.

عفونت‌های قارچی انگلی :

بیماری خواب آفریقایی : از تک یاخته‌ای به نام تری پانوزوما بروسی ناشی می‌شود که توسط مگس تسه تسه منتقل می‌شود. علائم آن تب، سردرد و درد مفاصل هستند.

آمیبیاز : به خاطر مصرف آب و یا غذای آلوده به کیست آمیب و یا انتامبا هیستولیتیکا بروز می‌کند.

آسکاریس : به خاطر مصرف غذای آلوده به مدفوع حاوی تخم‌های کرم انگلی به نام آسکاریس لومبریکوئیدوس ایجاد می‌شود.

بابزیوز : از انگل‌های خونی متعلق به جنوس بابزیا ناشی می‌شود و عموماً توسط کنه منتقل می‌شود.

بیماری شاگاس : عفونت تریپانوزوما کרוزی که از حشرات قاتل و مکنده‌ی خون به انسان منتقل می‌شود.

کلونورکیازیس : از انگل کبد چینی به نام چای کلونورکیس ناشی می‌شود.

کریپتوس پوریدیوزیس : از مواد آلوده نظیر زمین، آب، غذای نپخته و یا آلوده به مواد غذایی در تماس با مدفوع انسان و یا حیوان آلوده به انگل جنوس کریپتوس پوریدیوم ناشی می‌شود.

کیستیکر کوسییس : ناشی از لارو کرم کدو به نام تنیا سولیوم است که عموماً در گوشت خوک یافت می‌شود.

دیفیلو بوتریازیس : با ناراحتی شکم، استفراغ، کاهش وزن و اسهال مشخص می‌شود که به خاطر مصرف انگل‌های متعلق به جنوس دیفیلو بوتریوم بروز می‌کند.

دراکون کولیاژیس : ناشی از مصرف آب آلوده به کرم‌های گینه‌آ و یا دراکون کولوس است.

اکینوکوکوس : بیماری مهلک و کشنده که به خاطر عفونت با لارو کرم‌های کدو متعلق به جنوس اکینوکوکوس بروز می‌کند.

انتروبیازیس : عفونت به خاطر کرمک و یا کرم انتروبیوس که منجر به اشتهاى کم، خواب بی‌قرار و خارش مقعد می‌شود.

فاسیولیازیس : ناشی از انگل کبد به نام فاسیولا هپاتیکا و اف. ژيگانتيکا است.

فاسیولوپریازیس : به خاطر مصرف گیاهان آبی خام آلوده به کبد روده‌ای به نام فاسیولوپریس بوسکی و یا مصرف آب آلوده بروز می‌کند.

فیلاریازیس : از کرم‌های گرد متعلق به ابر خانواده فیلاریودیا ناشی می‌شود که از پشه و یا گوزن پرواز منتقل می‌شوند.

عفونت آمیب آزاد : ناشی از نگلیریا فالوری و گونه‌های آکانتاموبا است که در دریاچه‌ها، آب شیر، استخر شنا و واحدهای تهویه هوا یافت می‌شوند.

ژیاردیازیس : اسهال و استفراغ است که به خاطر عفونت ناشی از تک یاخته ژیاردیا لامبلیا در روده کوچک شروع می‌شود.

ناتوستومیازیس : به خاطر مهاجرت کرم‌های نابالغ به نام ناتوستوما اسپینگروم و یا جی. هیسپیدوم بروز می‌کند.

هیمنولپیزیس : ناشی از هیمنولپیس نانا و یا اچ. دیمینوتا است.

ایزوسپوریازیس : عفونت روده‌ای با ایزوسپورا بلی که منجر به اسهال و کاهش وزن می‌شود. گاهی اوقات با ایدز و حالت نقص ایمنی مرتبط است.

لیشمانیوز : از گونه‌های مشخص پشه خاکی آلوده به تک یاخته جنوس لیشمانیا منتقل می‌شود.

مالاریا : از پشه ماده‌ی آنوفل آلوده به انگل‌های خونی جنوس پلاسمودیوم منتقل می‌شود.

متاگونیمازیس : عفونت ناشی از کرم پهن روده‌ای و عمدتاً متاگونیوموس یوکاگای که منجر به علائمی نظیر اسهال و درد قولنجی شکم می‌شود.

میاز : از لارو مگس ناشی می‌شود که از نکروتیک و یا بافت زنده‌ی میزبان تغذیه می‌کند.

اونکوسرکیازیس : دومین علت عفونی است که منجر به کوری می‌شود و عامل عفونی آن اونکوسرکا ولوولوس است.

شپش : آلودگی شپش، اعضای ردیف فتیراپترا در بدن انسان است.

گال : با پناهگاه سطحی و خارش شدید به خاطر عفونت پوستی با کنه متعلق به جنوس سارکوپتز مشخص می‌شود.

شیستوزومیازیس : به خاطر عفونت خونی با گونه‌های شیستوزوما ایجاد می‌شود که منجر به ضعف، کبد و آسیب روده‌ای می‌شود.

تانیازیس : عفونت شامل کرم‌های کدو خوک و گاو از جنوس تانیا است.

توکسوکاریازیس : از مصرف کرم‌های کدو سگ و یا گربه به نام کانیس توکسوکارا و تی. گربه‌ای ایجاد می‌شود.

توکسوپلاسموز : به خاطر مصرف گوشت خام و یا نسبتاً پخته شده که آلوده به مدفوع گربه است و یا آشامیدن آب آلوده به توکسوپلازما گوندی، عفونت رحم، پیوند عضو آلوده و یا انتقال خون ایجاد می‌شود.

تریشینوز : از خوردن گوشت خام خوک و یا در حال پخت و محصولات بازی وحشی آلوده به لارو کرم‌های گرد، به نام کرم تریشین ایجاد می‌شود.

تریشیوریازیس : عفونت روده بزرگ توسط کرم‌های انگلی و یا کرم شلاقی.

تریکوموناسیس : بیماری مقاربتی ناشی از تریکوموناس واژنی که دستگاه ادراری و تناسلی را آلوده می‌کند.

تریپانوزومیازیس : ناشی از تک یاخته‌های انگلی تریپانوزوما از جنوس تریپانوزوما است.

بیماری‌های عفونی پریون :

سندروم آلپرز : یک بیماری پیشرونده و فاسد کننده سیستم عصبی مرکزی است.

انسفالوپاتی اسفنجی شکل گاوی (BSE) : یک بیماری عصبی کشنده دامی که از خوردن لاشه آلوده به انسان منتقل می شود.

بیماری کروتسفلد – ژاکوب : اختلال فاسد کننده عصبی نادر و غیر قابل درمان (بیماری مغز) که شکل انسانی BSE نیز به آن گفته می‌شود.

بی‌خوابی خانوادگی مهلک : بیماری مغزی ارثی غالب و نادر که مربوط به کروموزم غیر جنسی است و با بی‌خوابی، توهم، هذیان و سرسام مشخص می‌شود.

کورو : با سردرد، درد مفاصل و لرزش اندام مشخص می‌شود. این بیماری بر مغز تأثیر می‌گذارد و کشنده و مهلک است.

انسفالوپاتی اسفنجی شکل قابل انتقال : گروهی از بیماری‌های پیشرونده که بر مغز و سیستم عصبی تأثیر می‌گذارند.

بیماری‌های عفونی ویروسی :

ایدز : آسیب ویژه به سیستم ایمنی بدن که از ویروس نقص ایمنی انسانی (HIV) ناشی می‌شود.

تب خونریزی بولیوی : هم چنین به عنوان تب اوردوگ شناخته می‌شود و ویروس مقصر آن ویروس ماکوپو است. تب، بدن درد و ضعف علایم اولیه آن می‌باشند. خون دماغ شدن و درد لته نیز مشاهده می‌شود اما فقط زمانی که بیماری سر وقت چک و کنترل نشود.

آبله مرغان (واریسلا) : از ویروس زونا (VZV) ناشی شده و منجر به ظاهر شدن جوش‌هایی عمدتاً بر روی بدن و سر می‌شود.

سرماخوردگی شایع : بیماری سیستم تنفسی فوقانی که به خاطر رینو ویروس، ویروس آنفولانزا، پیکورنا ویروس، آدنو ویروس و غیره بروز می‌کند. این بیماری نازو فارنژیت حاد ویروسی نیز نامیده می‌شود.

عفونت سیتومگالو ویروس : عموماً در مورد غدد بزاقی است اما ممکن است در هر جایی از بدن یافت شود.

تب کنه کلرادو : از نیش یک کنه چوبی آلوده به ویروس تب کنه کلرادو (CTFV) منتقل می‌شود.

تب دانگ : از پشه آدس آچیپتی که آلوده به ویروس دانگ است منتقل می‌شود.

تب خون ریزی ابولا : از ویروس‌های ابولا ناشی شده و منجر به اسهال، خون ریزی داخلی و بیرونی، تب، درد عمومی بدن و استفراغ می‌شود.

بیماری دست، پا و دهان : علت شایع آن ویروس کوکساکسی A است که معمولاً بر نوزادان و کودکان تأثیر می‌گذارد.

هپاتیت ویروسی : با التهاب کبد مشخص می‌شود که به خاطر ویروس‌های متعلق به چندین خانواده از ویروس‌ها شامل هپادنا ویروس، هپو ویروس، آدنو ویروس و غیره بروز می‌کند.

بیماری تب خال : از ویروس‌های خانوادگی ویروس هرپس ناشی می‌شود و با خارش، تورم، انتشار مایع از تورم، سردرد، خستگی و حالت روانی کلاً غم انگیزانه مشخص می‌شود.

زونا : عفونت ویروس آبله مرغان (VZV) که ادامه پیدا می‌کند و بر سیستم عصبی با ظهور و یا بدون ظهور جوش بر روی پوست تأثیر می‌گذارد.

عفونت ویروس پاپیلوما انسانی (HPV) : عفونت ویروسی پوست و غشاء مخاطی که از راه جنسی منتقل شده و به خاطر HPV بروز می‌کند و اغلب با سرطان گردن رحم همراه است.

آنفولانزا (فلو) : از ویروس آنفولانزا که متعلق به خانوادگی ویروس اورتومیکسو است ناشی شده و با گلو درد، تب، سردرد، درد عضلانی، ضعف، سرفه و ناراحتی مشخص می‌شود.

تب لاسا : ابتدا مخاط، روده، ریه‌ها، سیستم ادراری به خاطر ویروس لاسا تحت تأثیر قرار می‌گیرند. سپس سیستم عروقی با گسترش یافتن بیماری از هر نقطه به هر بافتی در بدن تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

سرخک : از طریق تنفس گسترش می‌یابد و بیماری شدیداً مسری است که از ویروس سرخک متعلق به خانوادگی ویروس موربیلی از ویروس‌ها ناشی می‌شود.

تب خونریزی ماربورگ : از ویروس ماربورگ ناشی می‌شود که از طریق مایعات بدن همانند بزاق، استفراغ، خون و مدفوع منتقل می‌شود.

مونونوکلئوز عفونی : در نوجوانان و افراد جوان شایع است. با تب، درد عضلانی، گلو درد و خستگی به خاطر عفونت با ویروس اپستین – بار (EBV) مشخص می‌شود.

اوریون : با تورم دردناک غدد بزاقی و تب مشخص می‌شود که به خاطر ویروس اوریون متعلق به جنوس روبولا ویروس بروز می‌کند. تورم بیضه و جوش نیز ممکن است رخ دهد.

فلج اطفال : به خاطر انتقال ویروس فلج اطفال از طریق مسیر مدفوع – زبان مثلاً شستن کم دست، از فردی به فرد دیگر سرایت پیدا می‌کند.

لوکونسفالوپاتی چند کانونی پیشرونده : به طور گسترده در افراد با نقص ایمنی شدید به خاطر عفونت با ویروس پولیوما به نام جی. سی. ویروس (JCV) رخ می‌دهد.

هاری : انتقال ویروس هاری از طریق گاز گرفتن، آئروسل، غشاء مخاطی، عمل جراحی پیوند و غیره که منجر به آنسفالیت حاد و علائم آنفولانزا مانند می‌شود.

سرخجه : سرخک آلمانی نیز به آن گفته می‌شود. این بیماری ناشی از ویروس سرخجه است که از طریق بینی و گلو وارد بدن می‌شود.

سندروم تنفسی حاد و شدید (SARS) : با تب، بی‌حالی، درد عضلانی، سرفه، گلودرد و علائم گوارشی مشخص می‌شود که به خاطر ویروس کورونا سارس بروز می‌کند.

آبله (واریولا) : از آبله بزرگ و آبله کوچک ناشی می‌شود. این بیماری ویروسی به طور جهانی در سال ۱۹۸۰ ریشه کن شده است. با زخم‌های پوستی، گاهی کوری به خاطر زخم‌های قرنیه و ناباروری در مردان جان به در برده مشخص می‌شود.

انسفالیت ویروسی : التهاب حاد مغز که به خاطر عفونت با ویروس‌هایی به نام ویروس آربو، ویروس هرپس ساده، ویروس هاری، ویروس انسفالیت ژاپنی (JEV) و غیره بروز می‌کند.

گاستروانتریتیس ویروسی : عفونت ویروس روتا که کودکان را به ویژه در کشورهای در حال توسعه دچار می‌کند. استفراغ، لرز، اسهال و درد معده برخی از علائم عمده آن هستند.

مننژیت ویروسی : التهاب غشاء محافظ و پوشاننده سیستم عصبی به خاطر عفونت با ویروس هرپس ساده، ایترو ویروس، سیتومگالو ویروس، HIV ، ویروس اوریون و غیره.

ذات الریه ویروسی : بیماری ریه‌ها و سیستم تنفسی که از ویروس آنفولانزای A و B ، آدنو ویروس، ویروس هرپس ساده، VZV و غیره ناشی می‌شود.

بیماری رود نیل غربی : از ویروس رود نیل غربی (WNV) ناشی می‌شود و از طریق نیش پشه آلوده منتقل می‌شود.

تب زرد : بیماری خونریزی ویروسی که به خاطر ویروس تب زرد بروز می‌کند و در بسیاری از کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی شایع است.

فصل دوم

تعریف و اصطلاحات پزشکی سیستم غدد درون ریز ، تغذیه و

متابولیسم

Adenoma

آدنوم: شروع به تومور از یک غده غده، مانند آدنوم پاراتیروئید بیشتر در مورد این. هورمون قسمت مرکز غده فوق کلیه که بالا برنده خون و فشارخون است: هورمون ترشح شده در قسمت مرکزی (مدولا) غده آدرنال

Adrenaline

سرطان تیروئید آناپلاستیک: نوع نادری از سرطان تیروئید است که به سرعت گسترش می یابد. این حداقل شایع است اما کشنده ترین سرطان تیروئید است

Antithyroid Drugs

داروهای ضد تیروئید: داروهایی که کم کردن سرعت توانایی غده تیروئید برای تولید هورمون تیروئید

Benign : خوش خیم: غیر سرطانی است

Beta Blocking Drug

بتا مسدود کردن مبارزه با مواد مخدر: داروهایی که کمک به جلوگیری از علائم (تپش قلب، لرزش) ناشی از بیش از حد هورمون تیروئید

Calcitonin

کلسی تونین: هورمون تولید شده توسط سرطان مدولاری تیروئید. اندازه گیری آن در خون یک آزمایش حساس برای تشخیص زودرس، و همچنین تشخیص بعد از یک عمل برای سرطان مدولاری تیروئید است

Cold Nodule : ندول سرد: توده در غده تیروئید است که ید در اسکن و همچنین بافت تیروئید جذب میکند

Compensatory Goiter

بزرگ شدن تیروئید با توجه به بافت تیروئید ناکارآمد است که برای جبران ناکارآمدی آن بزرگ شده است

Thyroiditis

التهاب غده تیروئید باعث بزرگ شدن و درد. این اغلب باعث تب و علائم پرکاری تیروئید

Diffuse Goiter

تیروئید خشکی: تهیه خام ساخته شده از غده تیروئید حیوانی. این اولین منبع در دسترس هورمون تیروئید (تیروکسین) بود. از آنجا که جذب ضعیف و ناخالصی های آن است که دیگر استفاده می شود

Exophthalmos

جلو افتادگی از چشم در بیماری گریوز است

Goiter

گواتر: بزرگ شدن غده تیروئید به هر دلیلی. این ممکن است بزرگ شدن منتشر (منتشر) یا نامتقارن

Graves' Disease

بیماری گریوز: پرکاری تیروئید ناشی از گواتر منتشر بیش از حد فعال اغلب با اگزوفتالموس همراه است. شرح داده شده توسط دکتر رابرت گریوز

Hashimoto's Thyroiditis

تیروئیدیت هاشیموتو: التهاب غده تیروئید شرح داده شده توسط دکتر هاشیموتو. به طور معمول باعث گواتر و در نتیجه کم کاری تیروئید

Hormone

هورمون: یک ماده شیمیایی تولید شده توسط غدد درون ریز و منتشر شده به خون

Hyperthyroidism

پرکاری تیروئید: نشانه های افزایش سوخت و ساز بدن به دلیل بیش از حد هورمون تیروئید در خون. این ممکن است به علت غیر طبیعی غده تیروئید و یا از مصرف داروهای تیروئید

Hypothyroidism

کم کاری تیروئید: علائم کاهش سوخت و ساز بدن به علت کمبود هورمون تیروئید در خون

Hyperparathyroidism

تولید بیش از حد هورمون پاراتیروئید توسط غده پاراتیروئید بیمار است.

تولید بیش از حد باعث می شود که کلسیم به بیش از حد بالا تولید میشود و، منجر به سنگ کلیه، پوکی استخوان

Iodine

ید: عنصر غیر فلزی در مواد غذایی یافت می شود. لازم برای عملکرد تیروئید نرمال است

Iodine-Induced Goiter

ید ناشی از گواتر: گواتر ناشی از ید بیش از حد یا توسط یک حساسیت به ید می باشد

Lithium

لیتیم: فلز، نمک که در درمان افسردگی مورد استفاده قرار می گیرد. گاهی اوقات با عملکرد تیروئید تداخل دارد و می تواند باعث گواتر شود

Medulla

مدولا: بخش مرکزی غده، مانند بخش آدرنال مدولا

Medullary Thyroid Carcinoma

کارسینوم مدولاری تیروئید: یک شکل نادر سرطان تیروئید است که تولید هورمون های غیر طبیعی (کلسی تونین). این شکل از سرطان تیروئید است که اغلب ارثی است

Methimazole : متی مازول: با داروهای ضد تیروئید استفاده می شود برای درمان پرکاری تیروئید

Multi-Nodular Goiter : گواتر ندولر: غده تیروئید بزرگ با یک یا چند گره است

Nodule : ندول: توده یا رشد بافت در درون غده تیروئید است

Parathyroid Glands : هورمون پاراتیروئید : هورمون ترشح شده توسط غدد پاراتیروئید

Pheochromocytoma

فئوکروموسیتوم: تومور آدرنال مدولا که ترشح هورمون قسمت مرکز غده فوق کلیه که بالا برنده خون و فشارخون است.

Pituitary Gland

غده هیپوفیز: غده ی کوچکی به اندازه یک بادام زمینی است که در پشت چشم از پایه مغز قرار گرفته است.

ترشح هورمون هایی که کنترل غدد (تیروئید، آدرنال، بیضه و تخمدان) بر عهده دارد

Parathyroid Hormone PTH : هورمون پاراتیروئید

هورمون ترشح شده توسط غدد پاراتیروئید. گردش در جریان خون به جذب کلسیم از رژیم غذایی ما، و از استخوان کمک می کند

Silent Thyroiditis : تیروئیدیت خاموش: التهاب تیروئید خود محدود شونده است

Thyroid Stimulating Hormone TSH

هورمون محرک تیروئید TSH

هورمون تولید شده توسط غده هیپوفیز که غده تیروئید را تحریک میکند . اندازه گیری آن یک آزمون بسیار حساس از وضعیت تیروئید است.

Thyroglobulin

تیروگلوبولین: پروتئین در غده تیروئید، مقدار کمی از آن به داخل خون می شود. سطح آن بعد از عمل جراحی تیروئید برای تشخیص عود سرطان تیروئید است .

Thyroidectomy

تیروئیدکتومی: عملیات از بین بردن تمام و یا بخشی از غده تیروئید است

: Thyroxine (T4)

تیروکسین : هورمون اصلی تولید شده توسط غده تیروئید

Toxic Goiter : گواتر سمی: غده تیروئید بزرگ شده است .

TRH Test : تست TRH

آزمون بسیار حساس برای عملکرد غیر طبیعی تیروئید

Triiodothyronine T3

تری یدوتیرونین : هورمون تولید شده توسط غده تیروئید است. قوی تر از تیروکسین است

Tumor

توده ای از بافت است. این ممکن است خوش خیم یا بدخیم باشد .

فصل سوم

تعریف و اصطلاحات پزشکی بیماری های سیستم عصبی

آگنوزی agnosia

عدم قدرت درک اشیاء از طریق یک سیستم حسی خاص، که می تواند حس بینایی، شنوایی یا لامسه باشد

آتاکسی ataxia

عدم توانایی در هماهنگ نمودن حرکات عضلانی که منجر به بروز مشکلاتی در امر راه رفتن، صحبت کردن و انجام وظایف مربوط به مراقبت از خود می گردد.

سیستم عصبی خودکار autonomic nervous s

یکی از انشعابات سیستم عصبی است که عملکردهای غیر ارادی بدن را تنظیم می کند.

اکسون axon

بخشی از نورون است که تکانه ها را به خارج از جسم سلولی حمل می کند.

رفلکس (علامت) بابینسکی (Babinski reflex (sign

رفلکسی در رابطه با انگشتان پا، نشان دهنده اختلالات موجود در راه های کنترل شده ی حرکتی که هدایت آنها از طریق قشر مغز صورت می پذیرد.

کلونوس clonus

حرکاتی غیر ارادی که با انقباض و شل شدن متناوب عضله به صورت پی در پی و سریع مشخص می شود.

دلیریوم delirium

فقدان گذرای عملکرد عقلی و فکری، به خاطر مشکلات سیستمی

دندریت dendrite

قسمتی از نورون که جریانات عصبی را به بدنه سلول هدایت می کند.

فلکسید flaccid

عدم وجود تونیسیتة ی عضلانی، سست و شل

سیستم عصبی پاراسمپاتیک parasympathetic nervous s

یکی از بخش های عصبی خودکار که عمدتاً "تحت شرایط غیر تنش زا فعال می شود و بیشتر عملکردهای احشاء را کنترل می کند.

فتوفوبی photophobia : عدم تحمل نور

حس وضعیت(حالت) بدن position(postural)sense

آگاهی از چگونگی قرارگیری بخش های مختلف بدن بدون نگاه کردن به آنها

رفلکس reflex : واکنش خودکار نسبت به محرک ها

خشکی و سفتی عضله regidity

افزایش تونیسیتة عضلانی در حال استراحت که با مقاومت زیاد در برابر کشیدگی غیر فعال مشخص می شود.

تست رومبرگ Romberg test

تستی است جهت بررسی اختلالات کارکردی مخچه؛ در این تست بیمار ایستاده و پاها را کنار هم قرار می دهد، همچنین چشم های خود را بسته و دست ها را از هم باز می کند. عدم توانایی بیمار در حفظ وضعیت خود که به شکل تلوتلو خوردن یا نوسان داشتن بروز می کند، تست را مثبت خواهد کرد.

اسپاستیسیتی spasticity

افزایش غیر طبیعی تون عضلانی، که باعث می شود عضلات در مقابل کشیدگی مقاومت نمایند.

سیستم عصبی سمپاتیک sympathetic nervous s

یکی از بخش های سیستم عصبی خودکار که عمدتاً "در برگیرنده ی پاسخ های تحریکی می باشد، همان سیستم ستیز یا فراز است.

ورتیگو vertigo : نوعی خطای حسی مبنی بر داشتن حرکت چرخشی یا دورانی

ژیروس gyrus : چین و شکنج های سطح نیمکره های مغز را گویند.

جسم پینه ای The corpus callosum : دو نیمکره مغز را در قسمت پایین، به هم متصل می کند.

منطقه ی بروکا Broca's area

در لوب پیشانی قرار گرفته و برای کنترل فعالیت های حرکتی گفتار حیاتی است.

قیف هیپوتالاموس Infundibulum

هیپوتالاموس را به بخش خلفی هیپوفیز متصل می سازد.

سوچور Suture : محل اتصال استخوان های جمجمه می باشد.

سوراخ مونرو Foramen of monro

یا همان سوراخ بین بطنی؛ دو بطن جانبی مغز را با هم مرتبط می کند.

حلقه ی ویلیس Circle of willis

یک حلقه ی شریانی که در قسمت قاعده ای مغز و در پیرامون غده ی هیپوفیز، مابین رشته های شریان های مهره ای و کاروتید داخلی شکل می گیرد و از شریان های کاروتید داخلی، شریان های مغزی قدامی و میانی و شریان های رابط قدامی و خلفی ایجاد می شود.

فاسیکولوس کونئاتوس و گراسیلیس یا ستون های خلفی gracilis&Fasciculus cuneatus

راه های نخاعی بالا رو می باشند که هدایت کننده ی حس های چون حس لامسه، فشار، لرزش، حس وضعیت و حرکات منفعل یا غیر فعال در همان نیمه از بدن هستند.

راه های رابرو اسپاینال و رتیکولو اسپاینال Reticulospinal&Rubrospinal

راه های پایین رو نخاع می باشند که ایмпالس های مربوط به حرکات غیر ارادی عضلات را انتقال می دهند.

رابرو: مربوط به هسته ی قرمز

رتیکولو: مربوط به تشکیلات مشبک

حمله ی سمپاتیکی Sympatetic storming

سندرمی است که بعد از آسیب های تروماتیک مغز و تحریک سیستم عصبی سمپاتیک توسط هیپوتالاموس به وقوع می پیوندد و با تغییر سطح هوشیاری، تغییر علائم حیاتی، بی قراری و تعریق مفرط مشخص می گردد.

کرایوساکرال (جمجمه ای - خاجی) Craniosacral : معرف موقعیت مکانی سیستم پاراسمپاتیک می باشد.

تورا کولومبار (سینه ای - کمری) Thotacolumbar : معرف موقعیت سیستم سمپاتی می باشد.

همی پلژی Hemiplegia : فلج یک دست و یک پا، واقع در یک طرف بدن

پاراپلژی paraplegia : وضعیتی که هر دو پا مبتلا به فلج شوند.

تتراپلژی (کوادری پلژی) Tetraplegia(Quadriplegia) : فلج هر دو دست و هر دو پا را گویند.

آتتوز Athetosis

بروز نوعی حرکت کند، مارپیچی و به شکل حرکت کرم را گویند که بعلت تخریب عقده های قاعده ای یا اختلال در عملکرد آنها ایجاد می شود.

کره Choreh

وقوع حرکات اسپاسمودیک، بی هدف، نامنظم و ناهماهنگ تنه، اندام های انتهایی و حالت در هم کشیده چهره را گویند که بعلت تخریب عقده های قاعده ای یا اختلال در عملکرد آنها ایجاد می شود.

تشنج Seizures

در نتیجه ی تخلیه ی ناگهانی و غیر طبیعی بار الکتریکی در قشر مغز به وقوع می پیوندد و متعاقباً "به شکل تغییر در وضعیت حسی، رفتار، حرکات، ادراک یا هوشیاری تظاهر پیدا می کند.

سرگیجه Dizziness : نوعی حس غیر طبیعی حرکت یا عدم تعادل است.

زبان پریشی (آفازی) Aphasia : هرگونه نقصان و اختلال در توانایی گویایی را گویند.

دمانس Dementia : به زوال تدریجی و غیر قابل برگشت وضعیت شناختی اطلاق می گردد.

آکولوپلتیسموگرافی Oculoplethysmography : روش غیر تهاجمی برای حجم سنجی چشم

افتالمو دینامومتری **Ophthalmodynamometry**: روش غیر تهاجمی برای تعیین فشار خون سرخرگ

شبکیه

استروتاکتیک **Stercotactic**

نصب الکترودها و ابزار آلات مورد نیاز نواز مغزی به کمک رادیولوژی در منطقه ی مورد نظر مغزی

تله متری: دور سنجی است که گاهی همراه نوار مغزی استفاده می شود.

سوراخ کردن ستون فقرات **Lumbar Puncture**

وارد کردن سوزنی به داخل فضای زیر عنکبوتیه ی کمری به منظور کشیدن مایع مغزی- نخاعی می باشد.

موتیسم آکینتیک **akinetismutism**

عدم واکنش نسبت به محیط. بیمار حرکت نمی کند و صدایی نیز از وی شنیده نمی شود، فقط گاهی چشمان خود را باز می کند.

تغییر در سطح هوشیاری **altered level of consciousness**

وضعیتی که در آن میزان پاسخ دهی به محرک های محیطی و نیز آگاهی نسبت به آنها کاهش می یابد.

اتورگولاسیون **autoregulation**

توانایی عروق مغزی در منقبض یا منبسط شدن به منظور حفظ ثبات در جریان خون مغزی علی رغم بروز تغییر در فشار خون سیستمیک شریانی.

مرگ مغزی **brain death**

از بین رفتن کلیه ی عملکردهای مغزی از جمله ساقه ی مغز، به صورت غیر قابل بازگشت.

کما **coma**: نوعی بیهوشی طولانی مدت

کرانیوتومی **craniotomy**

نوعی روش جراحی که با برداشتن بخشی از جمجمه همراه می باشد.

پاسخ کوشینگ cushing response

تلاش مغز در بازگرداندن جریان خون به وضعیت عادی با افزایش خون شریانی، به منظور غلبه بر افزایش فشار داخل جمجمه ای

تریاد کوشینگ Cushing's triad

مشاهده ی سه نشانه ی کلاسیک (کاهش ضربان قلب، افزایش فشار خون و کاهش تعداد تنفس) به دنبال وارد آمدن فشار بر بصل النخاع در نتیجه ی بیرون زدگی ساقه ی مغز.

دسربره decerbatation

نوعی حالت بدنی غیر ارادی ناشی از آسیب دیدگی های شدید مغزی که با کشیدگی و باز شدن بیش از حد اندام های انتهایی بالایی و پایینی همراه است.

دکورتیکه decortication

نوعی حالت بدنی غیر ارادی ناشی از آسیب دیدگی های شدید مغزی است که با خم شدن غیر طبیعی اندام های انتهایی بالایی و همچنین کشیدگی یا باز شدگی اندام های انتهایی پایینی ، مشخص می شود.

مونیتور اپیدورال epidural monitor

یک حسگر است که مابین سر و سخت شامه قرار داده می شود تا فشار داخل جمجمه ای را کنترل کند.

صرع epilepsy

گروهی سندرم که با آشفتگی عملکردهای مغزی به صورت حمله ای و گذرا همراه هستند.

مونیتور فیبراپتیک fiberoptic monitor

سیستمی که در آن از انکسار نور برای تعیین فشار داخل جمجمه ای استفاده می شود.

فتق herniation

بیرون زدگی غیر طبیعی بافت از سوراخی طبیعی یا غیر طبیعی

interacranial pressure فشار داخل جمجمه ای

فشاری که در اثر حجم محتویات داخل جمجمه در فضای گنبدی شکل جمجمه ایجاد می شود.

locked-in syndrome سندرم انسداد داخلی مسیر پیام های عصبی

وضعیتی است که در آن به دلیل وجود ضایعه در پل مغزی، بیمار توانایی فعالیت های حرکتی را در کلیه ی نواحی دیستال خود از دست می دهد (تتراپلژی)، اما با این حال از نظر شناختی، سالم محسوب می شود.

microdialysis میکرو دیالیز

روشی است که در آن برای اندازه گیری سطح لاکتات، پیرورات، گلوتامات و گلوکز، به کار گذاشتن یک کاتتر داخل جمجمه ای نزدیک به ناحیه ی آسیب دیده ی مغز اقدام می کنند.

migraine headache سردرد میگرنی

سردردی شدید و بی امان که اغلب با نشانه هایی نظیر تهوع، استفراغ و اختلالات بینایی همراه است.

Monro-Kellie hypothesis فرضیه ی مونرو - کلی

نظریه ای بدین شرح که به دلیل محدودیت فضای داخل جمجمه گسترش محتویات درونی، افزایش یکی از اجزا (بافت مغز، خون یا مایع مغزی - نخاعی)، موجب تغییر در حجم دیگر اجزا خواهد شد.

persistent vegetative state وضعیت نباتی پایدار

وضعیتی که در آن بیمار بیدار است، اما فاقد هوشیاری بوده و عملکردهای شناختی یا فعالیت های ذهنی عاطفی در وی دیده نمی شود.

primary headache سردرد اولیه

سردردی که برای آن هیچ علت ارگانیک خاصی یافت نمی شود.

secondary headache سردرد ثانویه

سردردی که نشانه ی یک اختلال ارگانیک دیگر محسوب می شود (مثلاً "تومور مغزی یا فشار خون بالا)

صرع پایدار status epilepticus

اپیزودی که در آن بیمار چندین حمله ی تشنجی را بدون وجود دوره ی بهبودی در فواصل مابین، تجربه می نماید.

پیچ زیر عنکبوتیه ای subarachnoid screw or bolt

وسایلی که در فضای زیر عنکبوتیه کار می گذارند تا فشار داخل جمجمه ای را اندازه گیری نمایند.

ترانس اسفنوئیدی transsphenoidal

شیوه ای در عمل جراحی است که در آن از طریق سینوس های اسفنوئید به هیپوفیز دسترسی پیدا می شود..

ونتريکولوستومی ventriculostomy

کار گذاشتن کاتتر در یکی از بطن های جانبی مغز است تا از طریق آن بتوان به درتاز و تخلیه ی مایع و نیز اندازه گیری فشار داخل جمجمه ای اقدام کرد.

تغییر در سطح هوشیاری (Altered level of consciousness)(LOC

وضعیتی که در آن بیمار قادر به تشخیص موقعیت زمانی و مکانی نبوده و نمی تواند از دستورات پیروی کند یا برای دست یابی به حالت هوشیاری به محرک های مداوم و پی در پی نیازمند می باشد.

کنتراکتور Contracture : انقباضات مرضی عضله

حس کینستیک Kinesthetic : احساس حرکت که گاهی بدنبال چرخاندن بیمار ایجاد می شود.

هیپرترمی Hyperthermia : افزایش درجه حرارت بدن

آنوکسی Anoxia : فقدان یا کمبود اکسیژن

کلاپس Collapse : روی هم خوابیدن

مقیاس کمای گلاسکو Glasgow Coma Scale

مقیاسی برای اندازه گیری سطح هوشیاری در آن به بررسی واکنش های کلامی ، چشمی و حرکتی می پردازند.

تنفس شین-استوک Cheyne-Stokes breathing

یک الگوی تنفسی دوره ای که در یک انتها به وسیله ی تنفس عمیق و در انتهای دیگر به وسیله ی قطع تنفس شناخته می شود.

مانور والسالوا Valsalva's manoeuvre

یک بازدم قوی با گлот بسته، فشار در توراکس و شکم افزایش یافته و بازگشت وریدی به قلب کاهش می یابد. در حین زور زدن برای دفع مدفوع، بلند کردن اجسام سنگین یا تغییر وضعیت اتفاق می افتد.

برادی کاردی Bradycardia: کند شدن ضربان قلب (کمتر از ۶۰)

کرایوپلاستی Cranioplasty: ترمیم نقایص جمجمه با کمک صفحات فلزی یا پلاستیکی

هومئوستاز Homeostasis

موازنه ی بدن، فرایندهای خود تنظیم کننده ای که محیط داخلی بدن را ثابت نگه می دارند. عملکردهای کنترلی مثل فشار خون، دمای بدن، الکترولیت ها که در مقادیر خاصی حفظ می شوند.

اکیموز Echymosis: خون مردگی

هیپوناترمی Hyponotremia: کاهش سدیم خون

فوندوسکوپیک Funduscopy: دیدن قسمت های داخلی چشم

اختلالات تشنجی Seizure disorders

دوره هایی از فعالیت های غیر طبیعی حسی، حرکتی، خودکار و یا روانی که از تخلیه ی ناگهانی و بیش از حد بار الکتریکی سلولهای عصبی مغز ناشی می شود.

اورا Aura: علامت اخطار دهنده و شومی که می تواند دیداری-شنیداری و یا بویایی باشد.

ایروی Airway

لوله ای که عبور بلامانع هوا در دهان بیمار کار گذاشته می شود.

ایدیوسینکراتیک Idiosyncrasy

حساسیت کیفی غیر طبیعی نسبت به داروها که مخصوص همان فرد است و علت روشنی ندارد.

Tension headache : سردردهای تنشی

Prodrome : علامت اولیه

Ergonomics : ارگونومی علم مربوط به انسان و کار او

Aneurysm : آنوریسم ضعف دیواره شریان یا بیرون زدگی آن

Aphasia : زبان پریشی عدم توانایی سخن گفتن یا درک سخنان دیگران

Apraxia : کنش پریشی عدم توانایی انجام عملکردهای حرکتی قبلاً آموخته شده به صورت ارادی

Dysarthria : نارساگویی عضوی نقص در ادای کلمات و عبارات به دلایل عصبی

Expressive aphasia : زبان پریشی بیانی

عدم توانایی در سخن گفتن که اغلب با آسیب دیدگی ناحیه چپ لوب پیشانی همراه است.

Hemianopsia : نابینایی یک طرفه کوری در نیمه میدان دید در یک یا هر دو چشم

infarction : انفارکتوس منطقه ای از بافت که محروم از ذخایر خونی گردیده است.

Korsakoff's Syndrome : سندرم کورساکف

نوعی اختلال شخصیتی که با روان پریشی، عدم تشخیص موقعیت، روان آشفتگی (دلیریوم)، بی خوابی و توهم همراه است.

Penumbra region : ناحیه ی نیم سایه : ناحیه ای با جریان خونی-مغزی اندک

Receptive aphasia : زبان پریشی دریافتی

عدم توانایی درک آنچه دیگران می گویند. اغلب با آسیب دیدگی لوب گیجگاهی همراه است.

Lacunar : لاکونار حفره ای

Endarterectomy : اندآرتوکتومی

عملی که در آن یک سرخرگ که به دلایلی باریک شده است تصحیح می شود.

Stenosis : تنگی مجرا

Flow-sheet : نمودار گردش

Amorphosynthesis آمورفوسنتز

بیماری که دچار همونیموس همی آنوپیی (از دست رفتن نیمی از میدان بینایی به صورت مشابه) است، از نیمه ی آسیب دیده ی بدن حذر می نماید و تمایل به فراموشی و فاصله گرفتن از آن نیمه را دارد. این مشکل آمورفوسنتز نامیده می شود.

Blunt آسیب بسته مغزی

زمانی به وجود می آید که سر با سرعتی بالا و درحالی که بلافاصله از شتاب آن کاسته می شود، با یک شیء برخورد کند و بافت مغزی دچار آسیب دیدگی شود، این حالت منجر به بازشدگی جمجمه و سخت شامه نمی گردد.

Brain injury open آسیب مغزی باز

زمانی به وجود می آید که یک شیء به داخل جمجمه نفوذ کرده و وارد مغز شود و در طول مسیر خود به بافت نرم مغز آسیب وارد آورد (آسیب دیدگی های نفوذ کننده)، یا آسیب بسته مغزی چنان شدید باشد که منجر به باز شدن پوست سر، جمجمه و سخت شامه گردیده و مغز را در معرض تماس با محیط خارج از بدن قرار دهد.

Complete spinal cord lesion آسیب دیدگی کامل طناب نخاعی

وضعیتی که با فقدان کامل حس و کنترل ارادی عضلات در زیر سطح آسیب دیده همراه است.

Concussion تکان مغزی : فقدان موقت عملکردهای عصبی بدون آسیب دیدگی آشکار ساختمان مغز.

Contusion کوفتگی : کبودی یا خون مردگی در سطح مغز.

Halo vest جلیقه ی حلقه دار : جلیقه ای سبک متصل به حلقه ای مخصوص جهت ثابت نگه داشتن نخاع گردنی.

Head injury آسیب دیدگی سر

به آسیب های وارد بر پوست سر، جمجمه و یا مغز مغز اطلاق می شود.

آسیب ناقص طناب نخاعی Incomplete spinal

وضعیتی که در آن رشته های عصبی حسی یا حرکتی یا هر دو در زیر سطح آسیب دیده حفظ می شوند.

مثانه ی نوروژنیک Neurogenic bladder

اختلال عملکرد مثانه به دنبال اختلال سیستم عصبی که می تواند موجب بروز احتباس ادرار و یا فعالیت بیش از حد مثانه شود.

پاراپلژی Paraplegia

فلج اندام های تحتانی همراه با اختلال عملکرد روده و مثانه به دلیل وجود ضایعه در بخش های سینه ای، کمری یا خاجی نخاع.

آسیب دیدگی ثانویه Secondry injury

آسیب دیدگی مغز، به دنبال یک رویداد تروماتیک اولیه.

آسیب دیدگی طناب نخاعی (Spinal cord injury)SCI

آسیب وارده به طناب نخاعی، ستون مهره ها، بافت نرم محافظت کننده و دیسک های بین مهره ای در اثر تروما.

Transection : قطع یا برش نخاع که می تواند کامل و یا ناقص باشد.

Battle's sign : علامت باتل : وجود یک منطقه ی اکیموز بالای ماستوئید.

Otorrhea : اوتوره : خروج مایع مغزی نخاعی از گوش

Halo sign : علامت هاله ای : لکه ای خون که به وسیله ی لکه ی زرد رنگی احاطه شده است.

Psychotic : روان پریشی

Neurotic : روان رنجور

Hyperalimertation : هایپرآلیمنتاسیون : مواد مغذی زیاد. (معمولا" به مواد مغذی کلی پرنترال می گویند).

اوسیفیکاسیون هتروتوپیک Heterotopic ossification

رشد بیش از حد و دردناک استخوان در مفاصل تحمل کننده ی وزن

Roto rest : تخت چرخشی روتو رست

Cervical collar : گردن بند طبی

Vasopressor : وازوپرسور عاملی که سبب انقباض بافت عضلانی مویرگ و سرخرگ می شود.

Ischial : استخوان نشیمنگاه

ataxia : آتاکسی اختلال در توانایی انجام حرکات هماهنگ

Bulbar paralysis فلج بولبار

عدم تحرک عضلات عصب دهی شده به وسیله ی اعصاب جمجمه ای و اجسام سلولی شان، در ناحیه ی زیر ساقه ی مغزی.

Diplopia دیپلوپی

دید دوتایی با ایجاد دو تصویر از یک شی ء در هر دو چشم یا یکی از چشم ها.

dyskinesia : دیس کینزی اختلال در توانایی انجام حرکات ارادی

Dysphagia : دیس فاژی اشکال در بلع، که بیمار را در معرض خطر آسپیراسیون قرار می دهد.

Dysphonia : دیس فونی اختلال در وضعیت صدا یا تغییر در روند تولید آوا

Neuropathy: نوروپاتی: اصطلاحی کلی که نشان دهنده ی اختلال سیستم عصبی می باشد.

parasthesia: پاراستزی: احساس کرختی؛ بی حسی، سوزش یا احساس سوزن سوزن شدن.

Prion : پریون ذره ای کوچک تر از ویروس است که در برابر روش های استریلیزاسیون استاندارد مقاومت می کند.

Spasticity اسپاستیسیتی

افزایش تونوس عضلانی همراه با بالا رفتن مقاومت نسبت به کشش که اغلب با ضعف، افزایش رفلکس های تاندون عمقی و کاهش رفلکس های سطحی همراه است.

حالت اسفنجی **spongiform** : داشتن کیفیت یا ظاهر اسفنجی

Waterhouse-Friderichsen Syndrome سندرم واترهاوس-فردریکسن

عفونت حاد ناگهانی ممکن است با آسیب دیدگی غده ی فوق کلیوی، کلاپس جریان خون و همچنین خونریزی گسترده همراه باشد. این سندرم به دلیل تخریب بافت اندوتلیال و نکروز عروقی توسط باکتری بوجود می آید.

Kernig's sign علامت کرنیگ

یک علامت التهاب مننژیت در بیماری مننژیت. در این حالت عدم توانایی باز کردن زانو هنگامی که تا ۹۰ درجه خم شده به سمت شکم باشد، دیده می شود.

Brudzinski's sign علامت برودزینسکی

خم شدن مفصل های لگن و زانو در هنگام بالا آوردن سر از روی تخت که در التهاب مننژ دیده می شود.

Petechy : لکه های کوچک ناشی از نشت خون

Purpura : لکه های ارغوانی پوست

Ecchymosis : خون مردگی

Arthropod : انواع خاصی از بند پایان

اسکووتر **Scooter** : وسیله ای دوچرخه ای شکل با موتوری کوچک که دارای حفاظی برای پاها می باشد.

Plasmapheresis : تعویض پلاسما (پلاسمافرز)

نورالژی عصب سه قلو (تیک دردناک) **(Trigeminal neuralgia)(Tic douloureux)**

اختلال عصب جمجمه ای پنجم است که با حملات ناگهانی درد در نواحی ای که توسط یکی از شاخه های عصب سه قلو و یا بیشتر عصب دهی می شوند مشخص می شود.

آکاتیسی **Akathisia** : بی قراری، نیاز فوری به تغییر مکان دادن و در محیط اطراف راه رفتن و آشفتگی.

برادی کینزی **Brady kinesia** : صحبت کردن و انجام حرکات ارادی به صورت بسیار کند و آهسته

کره chorea : حرکات سریع، پرشی، غیر ارادی و بی هدف در اندام های انتهایی یا در عضلات صورت مانند حالت شکلک در آوردن.

Dementia دمانس

نوعی اختلال ذهنی ارگانیک پیش رونده با مشخصات: تغییر در شخصیت، حالت گیجی و سردرگمی، عدم تشخیص موقعیت زمانی، مکانی و اشخاص، زوال قوای عقلانی با اختلال در حافظه و قوه ی تشخیص.

Dyskinesia دیس کینزی : اختلال در توانایی انجام حرکات ارادی

Micrographia میکروگرافی : دست خط بسیار ریز و اغلب ناخوانا

neurodegenerative نورودژنراتیو

بیماری، فرایند یا وضعیتی که سبب زوال سلول های طبیعی سیستم عصبی یا عملکرد آنها می گردد.

papilledema پاپیل ادم : ادم عصب بینایی

Radiculopathy رادیوکولوپاتی

بیماری مربوط به ریشه اعصاب نخاعی که اغلب منجر به بروز درد و همچنین حساسیت فوق العاده ای نسبت به لمس در بیمار می گردد.

sciatica سیاتیک

التهاب عصب سیاتیک که منجر به بروز درد و حساسیت در مسیر عصب واقع در ران و پا می گردد.

Spondylosis اسپوندیلوز

التهاب مفصل از نوع دژنراتیو یا التهاب مفصل استخوان های مهره ای کمر یا گردن که منجر به سفتی مفاصل مهره ای می گردد.

Amenorrhea : قطع قاعدگی

Hypogonadism : کاهش فعالیت بیضه

Projectile vomiting : استفراغ جهنده

تشنجات جاکسونی **Jacksonian seizures** : حرکات تشنج مانند در یک نیمه از بدن

منتاسیون **Mentation** : از دست دادن حافظه و بروز حال سردرگمی

اجسام لوی **Lewy bodies** : تئوری های جدید علت بروز نورودژنراسیون را استرس اکسیداتیو در بخشی از نورون

می دانند که با نام اجسام لوی معروفند.

Shuffling gait : کشاندن پا بر روی زمین حین راه رفتن می باشد.

آنول **Annulus** : حلقه ی فیبروزه احاطه کننده ی دیسک

هسته ی پولپی **Nucleus Pulposus** : توده ی توپی شکل واقع در مرکز دیسک ها

رتراکتور **Retractor** : وسیله ای برای باز نگه داشتن اطراف ناحیه ی عمل.

فصل چهارم

تعریف و اصطلاحات پزشکی سیستم پوست و مو

معادل فارسی	تعریف	واژه لاتین
آلوپسی	ریزش موها در منطقه‌ای از بدن که بطور طبیعی دارای مو باشد.	Alopecia
آفت	زخمی کوچک بر روی مخاط	Aphta
سلولیت	التهاب بافت سلولی پوست ، خصوصا التهاب و عفونت لایه‌های عمقی درم و بافت زیر جلدی	Cellulitis
کومدونها	وجود توده کراتین و سبوم در منفذ غده پیلوسباسه که گشادتر از معمول شده است.	Comedones
دلمه یا کراست		Crust (scrab)
اکیموز	منطقه‌ای با قطر بیش از cm^2 که در اثر خونریزی زیر جلدی تغییر رنگ داده باشد.	
اریتم یا قرمزی پوست	قرمزی پوست که ناشی از احتقان عروقی بوده و با افزایش پرفیوژن (خونرسانی) در آن قسمت می‌باشد.	Erythema
ساییدگی یا خراشیدگی (ناشی از دستکاری)	زخمهای ناشی از خاراندن پوست را گویند.	Excoriation
شقاق	هرگونه ترک خطی در سطح پوست و یا پارگی آن	Fissure
فیستول	ایجاد مجرای غیر طبیعی از یک ساختمان عمقی نظیر احشاء شکمی به سطح پوست و یا بین دو ساختمان مختلف	Fistula
گانگرن	مرگ بافتها به سبب از بین رفتن منبع خونرسانی	gangrene
هماتوم	تجمع تومور مانند خون موضعی که به صورت تورم می‌باشد و معمولا در اثر ضربه یا جراحی رخ می‌دهد.	Hematoma
ماکول	تغییر موضعی رنگ و ساختار پوست	Macula
پاپول	برجستگی قابل لمس محدودی با قطر کمتر از 0.5	Papule

	سانتیمتر می باشد.	
Milium	کیست سفید کوچکی است که محتوی کراتین می باشد.	میلیوم
Petechia	منطقه خونریزی زیر جلدی که قطری در حدود ۱-۲ میلیمتر دارد.	پتشی
Plaque	عبارتست از یک منطقه برجسته پوستی با قطر ۲ سانتیمتر یا بیشتر	پلاک
Nodule	توده ای توپر که در پوست ایجاد برجستگی نموده و به راحتی قابل لمس می باشد.	ندول
Pustule	تجمع قابل مشاهده چرک آزاد	پوسچول
Scar	جایگزینی بافت فیبروزه به جای بافت اولیه که در اثر بیماری یا صدمات و ضربه و زخم و ... ایجاد می گردد و در واقع جای زخم و اثر زخم و یا ضایعه دیگر بعد از بهبودی می باشد.	اسکار یا جوشگاه
Vesicle , Bulla	تجمع مایع آزاد در داخل یا زیر اپیدرم است. ضایعات با قطر کمتر از ۵/۰ سانتیمتر، وزیکول و ضایعات بزرگتر از آن تاول نامیده می شود.	وزیکول و تاول
Urticaria	ناحیه موقتی ادم و تورم پوست به رنگ سفید تا قرمز ، خارش دار و با حدود مشخص که با فشار دادن محو می شود.	کهیر
Lichenification	ضخامت لایه (اپیدرم و تا حدودی درم) پوست در اثر تحریکات مداوم مانند مالش طولانی مدت	لیکنیفیکاسیون
Minoxidil	محلول موضعی که برای درمان ریزش مو بکار می رود و اثر اتساع عروق دارد.	مینوکسیدیل
eczema	واکنش التهابی پوستی که به صورت خارش ، قرمزی ، پوسته ریزی و ضایعات جلدی می باشد.	اگزما

dermatitis	انواع مختلف التهاب پوستی را گویند. و معمولا اگزما و درماتیت معادل هم می‌باشند و یا اگزما نوعی از درماتیت است. و با خارش، پوسته‌ریزی قرمزی و یا ضایعات جلدی به صورت پاپول یا وزیکول همراه است.	درماتیت
Atopic.d	یک بیماری با زمینه ارثی است و می‌تواند با آسم یا تب یونجه همراه باشد. و اغلب با خارش، پوست خشک و لیکنیفیکاسیون بروز می‌کند.	درماتیت آتوپیک
Seborrehic.D	درماتیت مزمن است که در مناطق غنی از غدد سباسه، یعنی پوست سر، صورت و قسمت بالای تنه و گاهی نواحی چین‌ها شایع است. و معمولا به صورت پوسته‌ریزی چرب، شوره و خارش مشخص می‌شود.	درماتیت سبورویک
Cotact.D	که شامل درماتیت تماس تحریکی و تماس آلرژیک می‌باشد. و در اثر تماس با ماده خاصی بوجود می‌آید.	درماتیت تماسی
Angioedema	کهیرها و تورم‌های عمقی‌تر پوست و بافت زیر جلدی که به رنگ پوست می‌باشد و حدود آن نامشخص است و معمولا خارش ندارند.	آنژیوادم
Acne-Vulgaris	شایعترین بیماری پیلوسباسه است، که اغلب در صورت و بعضی اوقات در تنه دیده می‌شود.	آکنه ولگاریس یا جوش جوانی (آکنه معمولی)
milia	میلیاها کیستهای ریز و سفیدی هستند که به صورت برجسته معمولا بر روی صورت خصوصا گونه و اطراف چشمها دیده می‌شود.	میلیا
Acne	شایعترین بیماری پوستی است که به صورت کومدون، پوسچول و جوشگاه (اسکار) مشخص می‌شود.	آکنه
psoriasis	بیماری مزمن عود کننده است که با ضایعات خشک به صورت پاپول و پلاکهای قرمز رنگ همراه با پوسته‌های چسبنده و نقره‌ای رنگ مشخص می‌شوند.	پسوریازیس

ویتیلیگو یا برص	Vitiligo	
ملاسما (کلوازما)	نوعی اختلال پیگمانتاسیون پوست است که به صورت لکه‌های هیپرپیگمانته (پررنگتر از پوست طبیعی) در زنان و بدنبال حاملگی ایجاد می‌شود.	melasma (chloasma)
کک و مک صورت	عبارتست از لکه‌های قهوه‌ای رنگ (دانه دانه) که در صورت و اغلب روی گونه و بینی افراد بور می‌باشد و ارثی است.	freckle
لیکن پلان	یکی از بیماریهای التهابی جلدی- مخاطی است که می‌تواند ، مخاط ، ناخن و موها را درگیر نماید. و به صورت پاپولهای بنفش ، براق و خارش دار که خطوط پوستی سفید رنگی بر روی آنها دیده می‌شود، بروز می‌کند.	Lichen planus
زرد زخم	نوعی بیماری شایع و مسری است که به صورت عفونت سطحی پوست و بصورت تاولی و غیر تاولی ایجاد می‌شود.	Impetigo
باد سرخ	باد سرخ ، عفونت باکتریایی درم و لایه فوقانی نسج زیر جلدی می‌باشد.	erysipelas
کورک و کفگیرک	در مواردی که استافیلوکوک (باکتری) ، فولیکول مو را در سطح عمقی تری دچار عفونت کند، باعث ایجاد کورک می‌کند که اگر این ضایعات متعدد باشد کفگیرک گفته می‌شود.	Carbuncle و Furuncle
سیفیلیس	نوعی بیماری عفونی حاد و مزمن است که توسط اسپیروکت ترپونما پالیدوم ایجاد می‌گردد. این بیماری معمولاً از طریق تماس جنسی (مقاربت) انتقال می‌یابد. زخم اولیه سیفیلیس شانکر نام دارد.	Syphilis
جذام	جذام یا بیماری هانسن ، بیماری گرانولوماتوز مزمنی است که توسط میکروب مایکوباکتریوم لپرا بوجود آمده و اعصاب محیطی و پوست را گرفتار می‌کند.	Lepromato
زگیل	زگیل در اثر ویروس پاپیلوما ایجاد می‌شود و اغلب به صورت	Wart

	ضایعات توپر و به رنگ پوست یا خاکستری – قهوه‌ای با سطح خشن می‌باشد.	
Herpes یا Cold sore simplex	این بیماری توسط هرپس ویروس انسانی (HSV) ایجاد می‌شود و به صورت ضایعات وزیکولی (آبدار) در اطراف دهان و ناحیه تناسلی و ... بروز می‌کند.	تبخال یا هرپس سیمپلکس
Zoster (shingles)	بیماری زونا (به معنی کمر بند و به دلیل نحوه گرفتاری بیماری) یک بیماری ویروسی و موضعی جلدی است که با درد شدید همراه با بثورات وزیکولی محدود به مسیر عصب ظاهر می‌نماید.	زونا (زوستر)
Tinea	عفونت قارچی است که با لکه‌هایی از ریزش مو و پوسته‌ریزی مشخص می‌شود. بعضاً می‌تواند ناخن را هم گرفتار کند.	کچلی یا تینه‌آ
Scabies	گال بیماری انگلی است که عامل آن نوعی مایت انسانی می‌باشد و با خارش بدن و گاهی ضایعات پوستی به صورت پاپولها و وزیکولها که به شکل کانال می‌باشند مشخص می‌شود.	گال (جرب)
Pediculosis	شپش حشره خونخواری است که روی بدن و بیشتر موها زندگی می‌کند و تخم آن به موها می‌چسبد.	شپش یا پدیکولوزیس
Leishmaniasis	این بیماری توسط انگل تک یاخته‌ای به نام لیشمانیا ایجاد می‌شود که به وسیله گزش پشه خاکی آلوده منتقل می‌شود و به سه شکل پوستی، پوستی- مخاطی و احشایی می‌باشد. شکل جلدی آن را سالک می‌گویند.	سالک یا لیشمانیا
pemphigus	پمفیگوس به معنی تاول و به عنوان گروهی از بیماریهای تاولی خودایمنی مزمن تعریف می‌شود.	پمفیگوس
Lupus erythematosus	لوپوس نوعی بیماری خودایمنی با علت ناشناخته است که طیفی وسیع از نوعی بیماری خفیف پوستی تا بیماری شدید	لوپوس اریتماتوز

	و مهلك را تشكيل می دهد.	
Scleroderma	اسكلرودرمی به مفهوم پوست سخت است و حاصل رسوب بیش از حد كلاژن در لایه های پوست می باشد و کشیده شدن پوست از علامت آن است البته می تواند احشاء را هم مبتلا کند.	اسكلرودرمی
Raynaud's phenomen	پدیده رینود بیانگر انقباض حمله ای عروقی در سرخرگهای کوچک دست است که به دنبال سرما و یا استرس ایجاد می گردد و به صورت تغییر رنگ و کرختی و گزگز تعریف می شود و در بعضی بیماریهای پوستی دیده می شود.	پدیده رینود
Nevus	تومورهای خوش خیم ملانوسیتی ، خال نامیده می شود.	خال
Melanoma	ملانوم تومور بدخیم پوستی است که از ملانوسیتها منشا می گیرد و معمولاً بدون علامت ناراحت کننده می باشد.	ملانوم
Carinoma of derm (S.C.C , B.C.C	S.C.C و B.C.C نوعی تومور بدخیم پوستی هستند که تابش اشعه ماورای بنفش خورشیدی مهمترین عامل مستعد کننده هستند البته مواد تماسی و عوامل دیگر نیز دخیل می باشند. S.C.C=Squamous cell carcinoma و B.C.C=Basal cell carcinoma	سرطان سلول پوست
Clubbing of nail	چماقی شدن ناخن با افزایش تحدب (برجستگی) ناخن و افزایش بافت نرم نوک انگشت مشخص می شود و در بیماریهای داخلی که با کمبود اکسیژن خون همراهند، دیده می شود.	چماقی شدن ناخن
Koilonychia	ناخن مقعر را می گویند و در کم خونی و بعضی بیماریهای دیگر دیده می شود.	ناخن قاشقی
Paranychia	به عفونت چینهای اطراف ناخن اطلاق می شود.	پارونیشیا

سیستم حرکتی بدن انسان Musculoskeletal system یا Locomotor system مجموعه ای از بافت ها است که به او توانایی حرکت و جابجایی میدهد. این سیستم از مجموعه استخوان ها (که به آن اسکلت میگویند)، عضلات، تاندون ها، لیگامان ها، مفاصل و دیگر بافت های همبندی تشکیل میشود.

سازه اصلی سیستم حرکتی بدن انسان استخوان های او است. این استخوان ها با نظم مشخصی در کنار یکدیگر قرار میگیرند تا سیستم اسکلتی را بسازند. این سازه یک ساختار محکم و مقاوم را ایجاد میکند تا دیگر ارگان ها و اعضای بدن به آن متصل شوند. یا بر روی آن قرار میگیرند و یا در داخل آن. در بعضی قسمت ها مانند مغز یا قفسه سینه استخوان ها اعضاء حیاتی بدن را محصور کرده و از آن حفاظت میکنند .

اسکلت نه فقط چهارچوب و محل اتکای دیگر اعضای بدن است بلکه قابلیت تغییر شکل را دارد. این قابلیت از طریق مفاصل ایجاد میشود. مفصل مکانی است که دو استخوان در کنار یکدیگر قرار گرفته و میتوانند در کنار هم حرکت کنند. پس حرکت مجموعه استخوان ها در کنار هم این قابلیت را به اسکلت میدهد که بتواند دائما شکل کلی خود را عوض کند.

برای به حرکت درآوردن استخوان ها عضلاتی بر روی آنها متصل میشوند. هر عضله حداقل در دو محل مجزا به دو استخوان متفاوت متصل میشود. انقباض عضله موجب تغییر شکل آن شده و این تغییر شکل با انتقال نیرو به محل اتصال به استخوان ها موجب حرکت آنها میشود. به این ترتیب استخوان ها میتوانند وضعیت خود را نسبت به همدیگر تغییر دهند یا به عبارت دیگر حرکت کنند. این حرکت موجب میشود تا انسان بتواند بر محیط زندگی خود تاثیر گذاشته و آن را تغییر دهد. حرکت اندام های تحتانی از طریق اعمال نیرو بر زمین میتواند موجب تغییر مکان کل اسکلت بر روی زمین شود. به این ترتیب است که انسان راه میرود و جای خود را بر روی زمین تغییر میدهد.

قسمت دیگر سیستم حرکتی بدن انسان تاندون یا زردپی است. در بسیاری نقاط عضلات مستقیما به استخوان متصل نمیشود بلکه این اتصال را از طریق بافتی دیگر به نام تاندون انجام میدهد. تاندون طناب بافتی محکمی است

که از یک سر به عضله متصل شده و از طرف دیگر به استخوان وصل میشود. تاندون نیروی حاصل از انقباض عضله را به استخوان منتقل میکند.

با اینکه استخوان های در محل مفصل در کنار هم قرار گرفته و حرکت میکنند ولی قرار گرفتن و حرکت نیاز به یک اتصال پایدار و متحرک دارد. این پایداری عمدتاً به توسط رباط ها یا لیگامان ها صورت میگیرد. رباط یا لیگامان پرده بافتی محکمی است که دو سر آن به دو استخوان که در مفصل کنار هم قرار گرفته اند متصل میشود. این اتصال محکم موجب میشود تا استخوان ها در محل مفصل در کنار هم باقی بمانند و از هم دور نشوند و در عین حال به علت خاصیت انعطاف پذیری که رباط دارد به استخوان ها اجازه میدهد تا در محل مفصل در کنار هم حرکت کنند.

غضروف ها قسمت دیگر سیستم حرکتی هستند که در انتهای استخوان ها جایی که آنها در محل مفصل در کنار هم قرار میگیرند وجود دارند. غضروف به صورت لایه ای انتهای استخوان را میپوشاند و سطح آن را صاف و لغزنده میکند. غضروف به استخوان ها این امکان را میدهد تا با کمترین اصطکاک بتوانند در محل مفصل در کنار هم حرکت کنند.

سیستم حرکتی بدن انسان از یک طرف یک سیستم زیستی و زنده است و تابع قوانین حاکم بر آن و از طرف دیگر یک سیستم مکانیکی است و بنابراین از قوانین ثابت علم مکانیک پیروی میکند. روابط حاکم بر نحوه حرکت اجزاء این سیستم پیچیده را بیومکانیک Biomechanics میگویند. بیومکانیک یا مکانیک زیستی علمی است که توضیح میدهد چه نیروهایی به سیستم حرکتی بدن انسان وارد میشوند و این نیروها چگونه موجب حرکت استخوان ها میگردند. علم بیومکانیک در فهم نحوه اختلال در این سیستم و بیماری های آن به ما کمک میکند.

هر جزئی از سیستم حرکتی بدن انسان میتواند دچار اختلال شده و این اختلال موجب بیماری و بروز علائمی مانند درد، محدودیت حرکتی، تورم یا لنگش میشود. با فهم بهتر کارکرد اجزاء این سیستم و نحوه عملکرد آن بعنوان یک کل، میتوان بیماری های آن را هم بهتر شناخت.

اسکلت و استخوان بندی بدن انسان چیست

به مجموعه استخوان های بدن انسان در کنار هم اسکلت Skeleton میگویند. تعداد استخوان های اسکلت عددی ثابت و مشخص نیست. بطور مثال در زمان تولد بدن ۳۰۰ استخوان دارد که البته در این زمان بسیاری از آنها هنوز در مرحله غضروفی قرار دارند. با رشد کودک بسیاری از استخوان ها به همدیگر متصل میشوند بطوریکه در بزرگسالی بد ۲۰۶ استخوان دارد. البته در بعضی افراد استخوانچه های کوچکی وجود دارند که در همه نیست و همین موجب میشود تعداد استخوان ها عدد ثابتی نباشد.

تراکم استخوان ها هم در طول عمر ثابت نیست. این تراکم در حدود سن ۳۰ سالگی به حداکثر خود میرسد و پس از آن بتدریج کاهش میابد .

اسکلت را به دو قسمت محوری و ضمیمه تقسیم بندی میکنند. اسکلت محوری Axial skeleton شامل ستون فقرات، قفسه سینه و جمجمه است. منظور این است که این استخوان ها در محور و مرکز بدن قرار داشته و ستون اصلی بدن هستند. بقیه استخوان های بدن را اسکلت ضمیمه Appendicular skeleton مینامند به این معنی که آنها به استخوان های محوری بدن متصل شده و ضمیمه آن شده اند.

استخوان های بدن انسان شش وظیفه عمده دارند که عبارتند از:

- سازه و چهارچوب اصلی بدن :مهمترین وظیفه اسکلت بدن انسان ایجاد یک ساختار و سازه محکم است تا دیگر اعضاء بدن بتوانند به آن متصل شوند. اسکلت به بدن شکل میدهد. بدون اسکلت بدن مانند کرم شل و نرم است و این نوع شکل بندی نمیتواند ساختار پیچیده بدن انسان را حمایت کند. پس همه موجودات پیچیده و پیشرفته اسکلت دارند
- حرکت کردن :حرکت کردن سخت ترین قسمت بدن یعنی سازه اصلی آن موجب حرکت قسمت های مختلف آن و یا حرکت کل بدن میشود. این حرکت از طریق اعمال نیروی عضلات بر روی استخوان ها ایجاد میشود

- حمایت و حفاظت از دیگر اعضاء بدن :استخوان های جمجمه از مغز حمایت میکنند و استخوان های قفسه سینه از قلب و ریه حفاظت میکنند. بسیاری از اعضاء حساس بدن درون استخوان های محکم لگن خا صره قرار گرفته و به توسط آن حفاظت میشوند
- تولید سلول های خونی :گلبول های سفید و قرمز و پلاکت ها در مغز استخوان ساخته میشوند
- ذخیره مواد معدنی بخصوص کلسیم :کلسیم از مهمترین عناصر مورد نیاز بدن در تنظیم متابولیسم و حیات است. بدن هر موقع که به کلسیم نیاز داشته باشد آن را از معدنی به نام استخوان برداشت میکند
- تنظیم سیستم هورمونی بدن :سلول های استخوانی هورمون استئوکلسین ترشح میکنند که در تنظیم قند و چربی موثرند.

سیستم اسکلتی و استخوان بندی بدن انسان در زن و مرد با هم متفاوت است. استخوان های زنان از استخوان های مردان کوچکتر هستند. شکل استخوان هم در این دو جنس متفاوتند که بیشترین تظاهر خود را در شکل استخوان لگن خا صره نشان میدهند. شکل استخوان های لگن خا صره در زنان به علت نیاز به حمایت از جنین با لگن مردان متفاوت است.

استخوان چیست

استخوان ماده زنده و محکمی است که داربست اسکلتی بدن انسان را میسازد. استخوان پایه محکمی است که دیگر اعضای بر آن استوار میشوند و در بسیاری از نقاط، استخوان اطراف بافت های حساس را گرفته و از آن محافظت میکنند. استخوان ها محل تولید گلبول های سفید و قرمز خون هستند و منبعی از مواد معدنی و بخصوص کلسیم را تشکیل میدهند که هر موقع بدن به آنها احتیاج داشت در اختیار آن قرار میدهند.

استخوان های بدن از بافت سختی به نام بافت استخوانی تشکیل شده اند. استخوان از لحاظ بافت شناسی بافتی همبندی Connective tissue است. استخوان یک ساختمان بیرونی و یک ساختمان درونی دارد، بسیار محکم و در عین حال سبک است. استخوان از بافت های متنوعی ساخته شده است. بافت اصلی تشکیل دهنده آن را بافت

استخوانی میگویند. با این حال بافت های دیگری مانند مغز استخوان، اندوست، پریوست، رگ خونی، عصب و غضروف نیز در آن وجود دارد .

در زمان تولد حدود ۲۷۰ استخوان در بدن وجود دارند. با بزرگ شدن بچه و با افزایش سن بعضی از این استخوان ها به هم چسبیده و در نهایت ۲۰۶ استخوان را برای یک فرد بالغ ایجاد میکنند. بزرگترین استخوان بدن استخوان ران و کوچکترین آنها استخوانچه های گوش میانی هستند.

استخوان یک بافت زنده است. رشد میکند، تغذیه میکند، تغییر شکل میدهد و میمیرد.

کارکرد استخوان چیست

استخوان چند کارکرد اساسی دارد. مهمترین آنها کارکرد مکانیکی است که شامل موارد زیر است

- حفاظت : حفاظت از اندام های درونی مانند حفاظت جمجمه از مغز و قفسه سینه از قلب و ریه
- ساختمان : استخوان ها یک داربست را درست میکنند که به کل بدن یک شکل ثابت میدهد
- حرکت : استخوان ها با کمک عضلات، تاندون ها، رباط ها و مفاصل سیستم حرکتی بدن را میسازند و موجب حرکت بدن و حرکت اشیاء به توسط بدن میشوند
- انتقال صوت : این انتقال در استخوانچه های گوش میانی صورت میگیرد

کارکرد دیگر استخوان در متابولیسم و سوخت و ساز بدن است. مهمترین این کارکردها عبارتند از:

- ذخیره مواد معدنی : استخوان محل ذخیره کلسیم و فسفر بدن است و هر موقع که بدن برای انجام درست کارکرد خود به این مواد احتیاج داشته باشد آنها را از استخوان برداشت میکند
- ذخیره چربی : مغز استخوان زرد محل ذخیره اسیدهای چرب هستند

- تعادل اسید و باز بدن : استخوان با جذب و آزاد کردن نمک های بازی میتواند مانند یک بافر عمل کرده و پی اچ خون را متعادل نگه دارد
- سم زدایی : استخوان میتواند فلزهای سنگین را به خود جذب کند و آنها را از بافت های حساس بدن دور کند. سپس به مرور زمان آنها را آزاد کرده تا از بدن دفع شوند
- هورمونی : استخوان هورمون هایی ترشح میکند. مهمترین آنها استئوکلسین Osteocalcin است که بر روی قند خون و ذخیره چربی بدن تاثیر میگذارد. استئوکلسین ترشح انسولین را افزایش داده و حساسیت بدن به آن را هم زیاد میکند

کارکرد دیگر استخوان ساختن گلبول های قرمز و پلاکت ها و گلبول های سفید در مغز استخوان است.

غضروف چیست و ساختمان آن چگونه است

ضروف یا کارتیلاژ Cartilage ساختمان قابل ارتجاعی است که عمدتاً در انتهای [استخوان](#) ها، جایی که مفاصل قرار دارند وجود داشته و وظیفه آن تسهیل حرکت مفصل است.

غضروف بافتی زنده و حاوی سلول است و سلول های تشکیل دهنده آنرا کندروسیت Chondrocyte مینامند. این سلول ها بر خلاف بسیاری بافت های دیگر با فاصله نسبتاً زیادی از یکدیگر قرار گرفته اند و بین آنها را ماده ای که عمدتاً از پروتئین و نوعی قند تشکیل شده پر کرده است. این ماده را ماده بین سلولی میگویند. در داخل این بافت بین سلولی رشته های نازکی به نام فیبریل Fibril قرار دارد. کندروسیت ها در حفره هایی به نام لاکونا Lacuna قرار گرفته اند.

بافت غضروف از جهات گفته شده بسیار شبیه بافت استخوان است ولی بر خلاف استخوان املاح کلسیم در ماده بین استخوانی رسوب نمیکند و به همین خاطر این بافت بسیار قابل ارتجاع و تغییر شکل پذیر است. تفاوت دیگر

غضروف با استخوان در نحوه تغذیه سلول های آن است. غضروف عروق و اعصاب ندارد ولی پوشش بسیار ظریفی به نام پری کندریوم Perichondrium سطح غضروف را میپوشاند که رگ خونی دارد.

به علت عدم موجود رگ های خونی درون بافت غضروبی روش تغذیه آن با استخوان متفاوت است. در داخل مفاصلی که غضروف دارند مایعی بنام مایع مفصلی یا مایع سینوویال Synovial fluid وجود دارد که سرشار از اکسیژن و مواد غذایی است. اکسیژن و مواد غذایی از راه این مایع سینوویال و همچنین از راه پری کندریوم از طریق پدیده انتشار یا دیفوزیون Diffusion به ماده بین سلولی منشر شده و در دسترس سلول های کندروسیت قرار میگیرد

از لحاظ بافت شناسی سه نوع غضروف وجود دارد

غضروف شفاف یا غضروف هیالین Hyaline Cartilage

در این نوع غضروف فیبریل ها در ماده غضروبی در زیر میکروسکوپ دیده نمیشوند و بنابراین ماده بین سلولی غضروف بصورت یکدست و شفاف است. غضروبی که در انتهاهای استخوان ها و در مفاصل بدن قرار دارد از این نوع است. غضروف حنجره و غضروبی که در تیغه وسطی بینی قرار دارد هم از نوع غضروف هیالین یا شفاف است.

غضروف ارتجاعی یا الاستیک Elastic cartilage

در این نوع غضروف فیبریل ها زرد رنگ هستند و این غضروف خاصیت ارتجاعی و کشسانی بیشتری از نوع قبل دارد. غضروف لاله گوش از این نوع است.

غضروف فیبری یا لیفی Fiber cartilage

در این نوع غضروف فیبریل ها سفید رنگ و کلفت تر هستند و خاصیت ارتجاعی این نوع غضروف از بقیه غضروف ها بیشتر است. دیسک بین مهره ای از این نوع غضروف درست شده است.

همانطور که گفته شد غضروبی که سطح استخوان را در ناحیه مفصل میپوشاند از نوع غضروف شفاف است. کلفتی این غضروف در مفاصل مختلف متفاوت است و در هر مفصل هم قطر غضروف در قسمت های مختلف تفاوت دارد. در بچه ها غضروف بیشترین کلفتی را دارد. با افزایش سن بتدریج کلفتی غضروف کم میشود. بتدریج این غضروف خواص خود را از دست میدهد، ریش ریش شده، سطح آن ناصاف شده و کلفتی آن در حدی کم میشود که ممکن است قسمتی از سطح مفصلی استخوان بدون لایه غضروبی باقی بماند. این روند را استئوآرتریت یا آرتروز یا ساییدگی مفصلی میگویند.

در تصاویر رادیولوژی که از مفاصل تهیه میشود استخوان ها به رنگ سفید دیده میشود. در این تصاویر بین سطح دو استخوانی که در یک مفصل روبروی هم قرار میگیرند فاصله ای هست که به آن فاصله مفصلی میگویند. این فاصله در واقع غضروف مفصلی است که در عکس رادیولوژی دیده نمیشود. بطور مثال اگر در عکس مفصل مچ پا بین سطح بالایاستخوان تالوس و سطح پایینی استخوان درشت نی سه میلیمتر فاصله باشد حدود نصف آن متعلق به غضروف استخوان تالوس و نصف آن متعلق به غضروف سطح پایینی استخوان درشت نی است. با افزایش سن و کاهش کلفتی غضروف مفصلی، این فاصله مفصلی هم در عکس رادیولوژی کم میشود.

عضله یا ماهیچه

عضله یا ماهیچه یکی از بافت های مهم تشکیل دهنده سیستم حرکتی بدن است. وظیفه اصلی عضله اعمال نیرو و بدنبال آن ایجاد حرکت است. این حرکت میتواند در ارگان های داخلی بدن مانند قلب یا دستگاه گوارشی و یا در استخوان ها و اندام ها باشد. گاهی اوقات انقباض عضله و اعمال نیروی آن بر استخوان موجب حرکت استخوان ها میشود. این حرکت میتواند موجب حرکت کل بدن و یا تغییر در وضعیت قرار گرفتن اندام ها گردد. در بعضی

موارد انقباض عضله تنها موجب تغییر شکل خود عضله و بدنبال آن جابجایی موارد میشود مانند انقباض عضله زبان یا عضله قلب. حدود ۴۰ درصد کل وزن بدن انسان عضله است.

عضلات یا ماهیچه ها به سه دسته عضلات اسکلتی، عضله قلب و عضلات صاف تقسیم میشوند. انقباض عضله قلب و عضلات صاف غیر ارادی است و انقباض عضلات اسکلتی بصورت ارادی انجام میشود. منبع تولید انرژی در عضله اکسیداسیون یا سوزاندن چربی و کربوهیدرات است.

عضلات اسکلتی به دو نوع تقسیم میشوند

- نوع یک یا عضلات آهسته یا عضلات قرمز که عروق بسیار زیادی داشته و میتوکندری و میوگلوبین فراوانی دارند. این سه مشخصه آخری موجب قرمز شدن رنگ عضله میشود. این عضلات میتوانند برای مدت زیاد ولی با قدرت کم منقبض بمانند

- نوع دو یا عضلات سریع که مشخصه آنها سرعت زیاد در انقباض است. این عضلات همچنین میتوانند قدرت زیادی را اعمال کنند ولی زود هم خسته میشوند. عضلات سریع، استعداد زیادی در افزایش حجم دارند. دسته ای از این نوع عضله میوگلوبین و میتوکندری کمی داشته و به آن عضله سفید میگویند

وزن حجمی عضله و ماهیچه از آب بیشتر و وزن حجمی بافت چربی از آب کمتر است. به همین دلیل کسانی که چاق بوده و چربی زیادی دارند بهتر بر روی آب شناور میمانند تا کسانی که بدن عضلانی دارند

عصب :

سیستم عصبی انسان از دو قسمت مرکزی و محیطی تشکیل شده است. سیستم عصبی مرکزی شامل مغز و نخاع و سیستم عصبی محیطی شامل اعصاب حسی و حرکتی است. عصب ها رشته های درازی هستند که وظیفه آنها انتقال اطلاعات و پیام ها بین سیستم عصبی مرکزی و محیطی و همچنین درون سیستم عصبی مرکزی است. به زبات ساده تر عصب ها حس را از اندام ها به مغز منتقل کرده و دستور حرکت را از مغز به اندام ها صادر میکنند.

پیام های حسی که در اندام های حسی تولید میشوند از طریق اعصاب به نخاع و مغز میروند. در پوست پایانه های خاصی وجود دارند که کار آنها حس کردن است. سلول های این پایانه ها میتوانند لمس، فشار، دما و درد را حس کرده و آنها را بصورت پیام هایی از طریق عصب به مغز ارسال کنند. جنس این پیام ها الکتریسیته است. یعنی تحریک پایانه های حسی در پوست موجب تولید جریان های الکتریکی میشود و سپس این جریان از طریق عصب به مغز رفته و در آنجا برحسب اینکه از کدام پایانه ارسال شده باشد بصورت حس لمس، فشار، گرما و سرما و درد احساس میشود.

از طرف دیگر مغز دستوراتی را بصورت پیام های الکتریکی آماده میکند و آنها را از راه نخاع و سپس عصب ها به عضلات اندام ها میفرستد و با انقباض این عضلات اندام، حرکتی را که مغز دستور آن را صادر کرده انجام میدهد.

شکل ظاهری عصب بصورت یک طناب بلند است که بین نخاع و اندام حسی یا حرکتی کشیده شده است. قطر اعصاب مختلف متفاوت است و البته ساختمان آنها ممکن است با یکدیگر قدری متفاوت باشد ولی همه اعصاب مشترکاتی دارند که در زیر در باره آنها توضیح داده خواهد شد.

در داخل یک عصب تعداد زیادی رشته قرار دارد که در کنار هم قرار گرفته اند مانند تعداد زیادی رشته مو که در کنار هم قرار گرفته و یک دسته مو را درست میکنند. هر رشته عصبی که به آن فیبر عصبی *nerve fiber* میگویند در واقع قسمتی از یک سلول است که به آن سلول عصبی یا نورون *Neuron* میگویند.

ساختار اعصاب مانند کابل های تلفن است. تعدادی رشته عصبی (آکسون) در کنار هم قرار میگیرند و یک دسته را درست میکنند که به آن فاسیکل *Fascicle* میگویند. بین آکسون ها بافت همبندی وجود دارد که به آن اندونوریوم *Endoneurium* میگویند. دورتادور فاسیکل را هم یک بافت همبندی به نام پری نوریوم *Perineurium* فرا گرفته است.

چند فاسیکل در کنار هم قرار میگیرند تا یک عصب را درست کنند. دورتادور عصب را بافت همبندی گرفته که به آن اپی نوریوم *Epineurium* میگویند. بین فاسیکل ها عروقی وجود دارد که مسئول تغذیه عصب هستند.

بعضی از اعصاب فقط حسی هستند یعنی تمام رشته های عصبی که در آنها است حس را از اندام به مغز منتقل میکنند. بعضی دیگر از اعصاب هم حرکتی هستند یعنی فقط دستورات حرکتی را از مغز به عضلات اندام ها ارسال میکنند. بعضی اعصاب هم هستند که هم رشته های حسی و هم رشته های حرکتی دارند. بطور مثال عصب اولنار در مچ دست، هم حاوی رشته های حسی است که موجب حس انگشتان کوچک دست میشود و هم رشته های عصبی حرکتی دارد که موجب تحریک عضلات کف دست میشوند.

ساختمان مفصل چیست و چه انواعی از مفاصل در بدن وجود دارند

محلی که استخوان ها در کنار یکدیگر قرار گرفته اند را مفصل میگویند. مهمترین کارکرد مفاصل امکان حرکت است. مفاصل موجب میشوند تا استخوان ها بتوانند در کنار هم حرکت کنند و این حرکت موجب تغییر شکل اسکلت و بدنبال آن تغییر شکل کل بدن میشود و این تغییر شکل است که به انسان اجازه میدهد تا بتواند بر روی محیط پیرامون خود تاثیر بگذارد و یا موقعیت خود را در مکان جابجا کند.

معمولاً در محل مفصل استخوان ها قدری حجیم تر میشوند تا سطح تماس آنها با یکدیگر بیشتر شود. این افزایش سطح تماس هم موجب حرکت بهتر و هم پایداری بیشتر در حین حرکت میشود.

مفصل قسمتی از سیستم حرکتی بدن انسان است که فعالیت زیادی دارد و به علت همین فعالیت زیاد است که بیش از قسمت های دیگر این سیستم دچار اختلال در عملکرد میشود. بیشترین بیماری های سیستم حرکتی بدن در مفاصل است. درد، تورم و خشکی در حرکت از معمول ترین مشکلات سیستم حرکتی است که به علت اختلال در کارکرد مفصل بوجود میاید.

از لحاظ کارکردی سه نوع مفصل در بدن انسان وجود دارد

مفصل متحرک یا دی آرتروز Diarthrosis

در این نوع مفاصل دو استخوان تشکیل دهنده مفصل کاملاً آزادانه در کنار یکدیگر حرکت میکنند. مانند مفصل میچ دست یا زانو. در مفصل زانو استخوان درشت نی کاملاً در مقابل استخوان ران حرکت کرده و به جلو و عقب میرود.

مفصل نیمه متحرک یا آمفی آرتروز Amphiarthrosis

در این نوع مفاصل استخوان های تشکیل دهنده مفصل توسط بافتی دیگر به یکدیگر چسبیده اند. گرچه این استخوان ها میتوانند نسبت به هم حرکت کنند ولی این حرکت آزادانه و کامل نیست. به عنوان مثال میتوان از مفاصل بین دو مهره کمری یا مفصل بین استخوان های درشت نی و نازک نی در ناحیه زانو نام برد.

مهره های کمر به توسط دیسک بین مهره ای به هم متصل میشوند. گرچه با تغییر شکل دیسک مهره ها میتوانند کمی نسبت به هم حرکت کنند ولی این حرکت محدود است.

مفصل بدون حرکت یا سین آرتروز Synarthrosis

در این مفاصل دو سر استخوان ها به توسط غضروف یا رباط به هم متصل شده و عملاً حرکتی بین دو استخوان وجود ندارد. مثل مفصل بین استخوان های جمجمه

گرچه جمجمه از تعدادی استخوان صفحه های در کنار هم درست شده است که از هم جدا هستند ولی این استخوان ها نسبت به هم حرکتی ندارند.

ساختار مفاصل دی آرتروز

مفاصل متحرک یا دی آرتروز از قسمت های زیر تشکیل شده اند:

غضروف

غضروف بصورت لایه ای است که انتها های استخوان ها را پوشانده و موجب روان شدن حرکت دو استخوان نسبت به یکدیگر میشود

کپسول مفصلی

کپسول مفصلی پرده یا کیسه ایست که دور تا دور مفصل را پوشانده است و در بالا و پایین در محلی که غضروف تمام میشود محکم به استخوان میچسبد. کپسول مفصلی یکی از ساختمان هایی است که موجب نگه داشته شدن دو سر استخوان در محل مفصل در کنار هم میشود

رباط یا لیگامان Ligament

رباط یا لیگامان نوارهایی از بافت لیفی یا فیبرو و بسیار محکم هستند که در اطراف مفصل و بیرون کپسول مفصلی قرار گرفته و موجب پایداری مفصل میشوند. رباط ها مانع از حرکت مفاصل در جهات خاصی میشوند تا بدین وسیله موجب شوند تا مفصل فقط در جهت های معینی حرکت کند. در اغلب اوقات رباط ها به کپسول مفصلی چسبیده و جزئی از آن هستند.

لایه سینوویال Synovial membrane

لایه سینوویال یک لایه سلولی ظریف است که سطح داخلی کپسول مفصلی را میپوشاند و وظیفه آن ترشح مایع سینوویال Synovial fluid است. مایع سینوویال مایع لزج و لغزنده ایست که در درون کپسول مفصل است و در بین سطوح مفصل موجب روان شدن لغزش غضروف ها بر روی هم میشود. این مایع همچنین غضروف مفصلی را هم تغذیه میکند.

منیسک Meniscus

منیسک در مفصل زانو وجود دارد. از جنسی شبیه غضروف است و موجب افزایش پایداری مفصل شده و نقش جذب کننده شوک های ناشی از ضربات ناگهانی به مفصل را هم بازی میکند.

کپسول مفصلی و مایع مفصلی چیست

کپسول مفصل و مایع مفصلی دو جزء مهم یک مفصل هستند. کپسول کیسه ای است که مفصل را احاطه کرده و آن را در میان میگیرد و مایع مفصلی درون این کیسه و در اطراف استخوان و غضروف مفصل قرار دارد.

کپسول مفصلی چیست

کپسول مفصلی یک کیسه بافتی محکم و در عین حال انعطاف پذیر است که دورتادور مفصل را گرفته است.

مفصل از کنار هم قرار گرفتن دو استخوان تشکیل شده که در کنار هم حرکت کرده و میلغزند. پس انتهای دو استخوان در کنار هم قرار میگیرند تا مفصل را درست کنند. دو انتهای استخوان ها در داخل کپسول مفصلی قرار گرفته اند. در واقع کپسول مفصلی مانند یک استوانه یا لوله است که قاعده بالا و پایین را ندارد. دهانه این استوانه در یک طرف دورادور یک استخوان را گرفته و به آن متصل شده است و دهانه دیگر استوانه در طرف دیگر دورادور استخوان مقابل را گرفته و به آن میچسبد.

پس دوسر استخوان درون یک فضای کاملاً بسته و ایزوله شده قرار گرفته اند. این فضای بسته در واقع به توسط پرده ای ایجاد شده که دور استخوان های مفصل را میگیرد و به آن کپسول مفصلی میگویند. فضای درون کپسول مفصلی را فضای مفصلی میگویند. درون فضای مفصلی استخوان ها قرار گرفته اند. بین کپسول مفصلی و استخوان ها پر از مایع مفصلی است .

مایع مفصلی چیست

مایع مفصلی یک مایع غلیظ و لزج و چسبناک با ویسکوزیته زیاد (سیالیت کم) است. وظیفه این مایع از یک طرف لزج و سر کردن سطح غضروف های مفصلی است تا بدین وسیله استخوان های تشکیل دهنده مفصل راحت تر و بهتر بر روی هم حرکت کنند و از طرف دیگر این مایع تغذیه سلول های بافت غضروفی مفصل را هم به عهده دارد. بافت غضروف رگ خونی ندارد و خونی به آن نمیرسد و تغذیه آن برعهده مایع مفصلی ست. این مایع اکسیژن و مواد غذایی را به سلول های غضروفی میرساند.

جنس کپسول مفصلی از بافت همبندی است. سلول ها آن از جنس فیبروبلاست بوده و ماده اصلی زمینه ای آن کلاژن است. این خصوصیات آن را پرده ای محکم و در عین حال قابل انعطاف میکند. در سطح خارجی و روی کپسول مفصلی رباط ها قرار گرفته اند. در بعضی مفاصل گروهی از رباط ها به کپسول مفصلی چسبیده و عملاً با آن یکی میشوند. سطح داخلی کپسول مفصل که در داخل مفصل است از لایه ای از سلول های خاص به نام سلول های سینوویال پوشیده شده است و به این ترتیب لایه ای را تشکیل میدهد که به آن لایه سینوویال *Synovial layer* میگویند. سلول های لایه سینوویال مسئول ترشح مایع مفصلی هستند. به مایع مفصلی مایع سینوویال هم میگویند.

ضرر سیگار برای استخوان

از بین عوامل مرگ انسان ها که قابل پیشگیری هستند سیگار در راس آنها قرار دارد. سیگاری ها بطور متوسط ۱۰-۷ سال کمتر از غیر سیگاری ها عمر میکنند. سیگار موجب بیماری های قلبی و ریوی و سرطان میشود. احتمالاً این نکات قبلاً به گوش شما رسیده است ولی آیا میدانید سیگار آثار مخربی هم بر روی استخوان و مفاصل شما دارد

- سیگار موجب پوکی استخوان میشود. افراد مسن که سیگاری هستند ۳۰-۴۰ درصد بیش از همسالان غیر سیگاری خود احتمال شکستگی لگن دارند. سیگار موجب کاهش خونرسانی به استخوان میشود. نیکوتین سیگار

- موجب کاهش فعالیت سلول های استخوان ساز میشود. سیگار موجب کاهش جذب کلسیم از غذا میشود. سیگار موجب کم شدن هورمون استروژن در بدن زنان میشود (استروژن موجب استخوان های محکم در بدن زنان میشود)
- وسعت پارگی روتاتور کاف در شانه سیگاری ها تقریباً دو برابر غیر سیگاری ها است. علت آن اینست که در سیگاری ها تاندون ها کیفیت خود را از دست میدهند.
- در سیگاری ها احتمال بورسیت و تاندنیت در اطراف مفاصل یک و نیم برابر غیر سیگاری ها است.
- احتمال کمردرد و آرتريت روماتوئید در سیگاری ها بیشتر است.
- شیوع فتق دیسک بین مهره ای در سیگاری ها فراوان تر است
- شکستگی ها در افراد سیگاری دیرتر جوش میخورند.
- در سیگاری ها زخم های جراحی دیر جوش میخورند و احتمال عفونت آنها بیشتر است. علت آن کاهش خونرسانی به بافت های بدن است.
- کارآیی ورزشی در سیگاری ها کمتر از افراد دیگر است و علت آن کاهش اکسیژن رسانی به عضلات است.
- نیکوتین موجود در سیگار موجب کم شدن اشتها شده و موجب میشود تغذیه شما نامناسب شود و مواد غذایی و ویتامین ها به اندازه کافی به بدن شما نرسد.

پوکی استخوان

پوکی استخوان یا استئوپروز Osteoporosis به معنی کم شدن تراکم استخوان است که بدنبال آن قدرت استخوان کم شده و شکننده میشود و شکننده شدن استخوان موجب میشود احتمال بروز شکستگی در آن بیشتر شود. پوکی استخوان معمولاً بتدریج پیشرفت میکند و هیچ علامتی از خود بروز نمیدهد تا وقتی که شکستگی بوجود میاید.

پوکی استخوان میتواند در هر استخوانی از بدن ایجاد شود ولی معمولاً در ستون مهره، لگن، مچ دست و دنده ها بیشتر دیده میشود.

برای فهم بهتر پوکی استخوان ابتدا باید بدانیم جنس استخوان از چیست.

بافت استخوان از دو قسمت تشکیل شده

- یک داربست سه بعدی شبکه مانند از جنس پروتئین که به آن ماتریکس میگویند
- رسوب کلسیم بر روی این داربست پروتئینی در قالب مولکول های هیدروکسی آپاتیت

استخوان یک بافت زنده است. استخوان رگ خونی و سلول زنده دارد. همین زنده بودن است که به آن امکان میدهد رشد کند و خود را ترمیم کند. در طول عمر، بافت استخوانی بدن مرتباً به توسط سلول های خورنده ای که در آن است (به اسم استئوکلاست) جذب شده و در همان حال استخوان جدید به توسط سلول های استئوبلاست بر روی آن جایگزین میشود. به این ترتیب بافت همه استخوان های بدن مرتباً در حال نو شدن است.

در سنین بچگی و جوانی ساخته شدن بیش از جذب شدن است ولی در سنین بالا بیش از اینکه استخوان ساخته شود جذب میشود ولی حتی در شدیدترین حالات پوکی استخوان، بدن از ساخت استخوان جدید دست نمیکشد و فقط مقدار آن کم میگردد. بیشترین مقدار تراکم استخوان در حدود سن بیست سالگی است.

هورمون های بدن بر روی پدیده جذب و تولید مداوم استخوان تاثیر دارند. مهمترین هورمون های تاثیرگذار در این روند، هورمون زنانه استروژن و هورمون مردانه تستوسترون و هورمون پاراتیروئید است. در این بین استروژن بیشترین تاثیر را دارد. زمینه های ژنتیکی و تفاوت های فردی هم در جذب و تولید استخوان و در نتیجه نهایی آن یعنی قدرت و تراکم استخوان تاثیرگذار است.

اکثر استخوان های بدن از یک بدنه اصلی تشکیل شده اند که مانند اسفنج مشبک و متخلخل است و به آن استخوان اسفنجی میگویند و روی آن را لایه ای از استخوان سفت و سخت و بدون سوراخ و بدون تخلخل فرا گرفته است که به آن استخوان کورتیکال میگویند. در قسمت کورتیکال، استخوان بصورت لایه لایه و بسیار متراکم است.

در بعضی استخوان های بدن قسمت اسفنجی بیشتر است و در بعضی دیگر قسمت کورتیکال. ساختار سه بعدی و مشبک استخوان به این علت ایجاد شده که استخوان در عین محکم بودن سبک هم باشد.

در پوکی استخوان یا استئوپروز تخلخل استخوان اسفنجی بیشتر میشود بطوریکه حفرات داخل آن بزرگتر شده و فاصله بین میله های داربست بیشتر شده و میله های داربست نازکتر میشوند. همچنین قسمت کورتیکال روی استخوان نازک تر میشود.

چه عواملی باعث پوکی استخوان میشود

پوکی استخوان در بعضی افراد بیش از دیگران دیده میشود. تراکم و قدرت استخوان تحت تاثیر متغیرهای ژنتیکی و محیطی است. بطور معمول تراکم استخوان مردان بیش از زنان است پس زنان بیش از مردان دچار پوکی استخوان میشوند و این بیماری در افراد لاغر و در کسانی که در فامیل نزدیک خود سابقه پوکی استخوان دارند بیشتر دیده میشود.

مهمترین عواملی که زمینه ساز بروز استئوپروز یا پوکی استخوان هستند عبارتند از:

پیری

استخوان یک بافت زنده است و در درون آن سلول های مختلفی فعالیت میکنند. دسته ای از این سلولها بنام استئوبلاست Osteoblast مرتباً در حال استخوان سازی هستند و دسته ای دیگر بنام استئوکلاست Osteoclast وظیفه جذب استخوان را دارند. پس استخوان های بدن ما دائماً در حال جذب شدن و جایگزین شدن با مواد نو است.

در سنین جوانی استخوان بیشتر ساخته میشود تا جذب شود ولی حدوداً بعد از ۳۵ سالگی به ازای موادی که از استخوان برداشته میشوند مواد کمتری جایگزین میشوند و این فرایند موجب میشود که بتدریج مقدار ماده تشکیل دهنده استخوان و در نتیجه تراکم و استحکام آن کاهش یابد. بعد از سنین جوانی و با افزایش سن، کل توده

استخوانی بدن کاهش یافته و خطر شکستگی افزایش میابد. در سنین یائسگی شدت پیشرفت روند از دست دادن تراکم استخوان، به ناگهان زیاد میشود بطوریکه خانمها در ده سال اول یائسگی ممکن است نیمی از تراکم استخوان های بدنشان را از دست بدهند.

ژنتیک

در کسانی که سابقه خانوادگی شکستگی دارند، افراد لاغر اندام و افراد با پوست خیلی روشن احتمال استئوپروز یا پوکی استخوان بیشتر است. نژاد آفریقایی استخوان های سفت تری تا نژاد سفید دارند.

تغذیه

کاهش دریافت کلسیم و ویتامین دی از طریق مواد غذایی، موجب پوکی استخوان میشود.

عادات

کسانی که کار پشت میز نشینی دارند و ورزش و فعالیت بدنی کمی دارند و کسانی که عادت به مصرف سیگار یا الکل دارند بیشتر مبتلا به پوکی استخوان و استئوپروز میشوند.

دارو

مصرف داروهای حاوی کورتیکواستروئید و مصرف هپارین و فنی توئین میتواند موجب پوکی استخوان شوند. در کسانی که به علت ابتلا به سرطان تحت شیمی درمانی هستند پوکی استخوان بیشتر دیده میشود.

بیماری

در بیماری های زیر احتمال پوکی استخوان بیشتر است

- بیماری گوارشی منجر به سوء جذب

- سطح پایین تستوسترون در مردان
- آمنوره (قطع عادات ماهانه در زنان)
- وجود بیماری مزمن مانند روماتیسم مفصلی یا نارسایی مزمن کبد
- کم کاری غده تیروئید
- بیحرکت یطولانی مدت مانند کسی که سکته مغزی کرده است
- پرکاری غده پاراتیروئید.

برخی اصطلاحات شایع دستگاه ارتوپدی :

آبسه : آبسه یک محوطه پر از چرک است. چرک ماده ای است که از لاشه گلبول های سفید کشته شده بوجود میاید

آپلازی : آپلازی به معنای تشکیل نشدن یا فقدان یک اندام یا قسمتی از یک اندام یا یک بافت است

آتروفی : آتروفی به معنی لاغر شدن یک عضو یا بافت است

آتل : آتل وسیله ای دست ساز است که برای بیحرکت کردن موقت یک عضو بکار میرود

آرتروپاتی : آرتروپاتی به معنای بیماری مفصل است

آرتروپلاستی : آرتروپلاستی نوعی جراحی ترمیمی است که به منظور کاهش درد و یا افزایش دامنه حرکتی در مفصلی که دچار محدودیت حرکتی شده انجام میشود

آرتروتومی : آرتروتومی به معنی باز کردن مفصل به توسط عمل جراحی است

آرترودز : آرترودز نوعی عمل جراحی است و به معنی خشک کردن و بیحرکت کردن مفصل با استفاده از عمل جراحی است

آرتروسکوپ : آرتروسکوپ وسیله است که مهمترین قسمت آن یک لوله فلزی ظریف بوده که به داخل مفصل فرستاده شده و از طریق آن داخل مفصل دیده شده و در صورت لزوم جراحی میشود

آرتروسکوپی : آرتروسکوپی روشی است که در آن لوله فلزی ظریفی از راه پوست به داخل مفصل فرستاده شده و از طریق آن داخل مفصل دیده شده و در صورت لزوم جراحی میشود

آرتروگرافی : آرتروگرافی یک روش عکس برداری رنگی است که برای دیدن مفصل بکار برده میشود

آرتريت : آرتريت به معنی التهاب مفصل است

آرتريت روماتوئيد : آرتريت روماتوئيد يا روماتيسم مفصلي يك بيماري مزمن است كه موجب التهاب، درد و تورم مفاصل بدن ميشود

آشيل : آشيل نام قويترين تاندون بدن است كه در پشت و بالاي مچ پا قرار دارد

آكسون : آكسون كه به آن رشته عصبی هم ميگویند يك رشته يا ميله بافتی بلند و باریك است كه از سلول عصبی (نورون) خارج میشود

آگزيال : آگزيال صفحه ای فرضی است كه بدن را به دو قسمت بالا و پایین تقسیم میکند

آلبرایت : آلبرایت نام یک بیماری است. به آن سندروم آلبرایت هم میگویند و بیماری ژنتیکی است كه مشخصه آن اختلالات استخوانی، لكه های پوستی، تغییرات هورمونی و بلوغ زودرس است

آمبولی : آمبولی یک پدیده است و به معنی حرکت کردن یک ماده (جامد، مایع یا گاز) در درون رگ و جابجا شدن در آن و رفتن به محل دیگر است

آمپوتاسیون : آمپوتاسیون نوعی عمل جراحی است که در آن قسمتی از اندام قطع شده و از بدن جدا میشود

آنتریور : آنتریور به معنی جلو است

آنژیوگرافی : آنژیوگرافی نوعی روش تصویر برداری است که برای دیدن شریان ها بکار برده میشود

ابداکشن : ابداکشن به معنای دور شدن یک اندام از محور وسط بدن یا دور شدن قسمتی از اندام از محور طولی کل اندام است

ابدکتور : ابدکتور نام عضله یا عضلاتی است که یک اندام یا قسمتی از آن را از خط محوری بدن دور میکند

اپی فیز : اپی فیز قسمتی از استخوان است که بین سطح مفصلی و صفحه رشد قرار دارد

اپی کندیل : اپی کندیل در لغت به معنای آنطرف کندیل است. کندیل که در فارسی آنرا به لقمه هم ترجمه کرده اند به برجستگی های انتهایی استخوان های بلند میگویند

اداکشن : اداکشن به معنای نزدیک شدن یک اندام به محور وسط بدن یا نزدیک شدن قسمتی از اندام به محور طولی کل اندام است

ادکتور : ادکتور نام عضله یا عضلاتی است که یک اندام یا قسمتی از آن را به خط محوری بدن نزدیک میکند

اسپاسم : اسپاسم به معنای انقباض ناگهانی و غیر ارادی یک عضله است

استخوان مرمری : استخوان مرمری نام یک بیماری ژنتیکی است که در آن سلول های استئوکلاست که مسئول جذب استخوان هستند خوب کار نمیکنند

استرنوم : استرنوم نام استخوانی در جلوی قفسه سینه است که به آن استخوان جناغ هم میگویند

استئوآرتریت : استئوآرتریت نام دیگر آرتروز یا ساییدگی مفصل است

استئومالاسی : استئومالاسی یا نرمی استخوان به معنی کم شدن محتوای معدنی استخوان های بدن است

استئومیلیت : استئومیلیت به معنای التهاب استخوان است

اسکن استخوان : اسکن استخوان نوعی روش تصویر برداری از استخوان است

اسکن رادیوایزوتوپ : اسکن رادیوایزوتوپ نوعی روش تصویر برداری از استخوان است که با استفاده از مواد رادیواکتیو انجام میشود

اسکن کامپیوتری : اسکن کامپیوتری نوعی اسکن استخوانی است که با تابش پرتو ایکس به بدن بیمار و سپس پردازش کامپیوتری آن تصاویر دقیقی از بدن بخصوص از استخوان ها بدست میدهد

اسکولیوز : اسکولیوز به معنای انحراف جانبی ستون مهره است

اکستانسور : اکستانسور نام تاندون های باز کننده اندام فوقانی یا تحتانی است

اکستنشن : اکستنشن به معنای باز شدن یک مفصل است

الکترومیوگرافی : الکترومیوگرافی یا تست نوار عضلانی یا عصبی آزمایشی است که به توسط متخصصین طب فیزیکی انجام میشود و به توسط آن فعالیت اعصاب و عضلات اندام بررسی میشود

انکیلوز : انکیلوز یا جمود مفصلی به معنای خشکی مفصل است

انگشت چکشی : انگشت چکشی یا مالت فینگر تغییر شکلی در انگشت دست بصورت خم شدن بند انتهایی است

انگشت ماشه ای : انگشت ماشه ای یا تریگر فینگر بیماری است که در آن حرکت بند انتهایی انگشت دچار اشکال میشود

بازسازی مفصل : بازسازی مفصل نام عمومی برای دسته ای از اعمال جراحی است که در آنها سعی میشود مفصل آسیب دیده به نحوی تغییر شکل داده شود تا بیمار بتواند از آن استفاده بهتر ببرد

پا چنبری : پا چنبری یا کلاب فوت نام بیماری مادرزادی است که موجب تغییر شکل کف پا میشود

پروتز : پروتز به وسیله ای مصنوعی میگویند که جایگزین قسمتی از دست رفته از بدن میشود

پلاک : پلاک یا پلیت قطعه ای فلزی است که از آن برای متصل کردن قطعات شکسته شدن استخوانی استفاده میشود

پیچ : پیچ قطعه ای فلزی است که از آن برای متصل کردن قطعات شکسته شدن استخوانی استفاده میشود

پیچ خوردگی : پیچ خوردگی نوعی آسیب مفصلی است که در آن مفصل بشدت کج شده و بدنبال آن رباط های اطراف مفصل کشیده شده و یا پاره میشوند

پین : میله نوک تیزی از جنس فلز است که از آن برای متصل کردن قطعات شکسته شدن استخوانی استفاده میشود

پیوند استخوان : روشی است که برای کمک به جوش خوردن استخوان از آن استفاده میشود. به پیوند استخوان
گرافت استخوان هم میگویند

پیوند عصب : روشی است که برای اتصال انتهای پاره شده یک عصب آسیب دیده از آن استفاده میشود

تاندون : تاندون یا زردپی یک طناب بافتی بسیار محکم و قابل انعطاف است که از یک طرف به عضله و از طرف
دیگر به استخوان متصل میشود

تراکشن : تراکشن به معنای کشش است

تراکم استخوان : تراکم استخوان به معنای میزان سفتی و استحکام آن است

تروماتولوژی : تروماتولوژی نام شاخه ای از طب است که به بررسی ضایعات ناشی از تروما میپردازد

ترومبوآمبولی : ترومبوآمبولی به معنای تشکیل لخته در درون رگ خونی و سپس حرکت آن از طریق رگ به
محل دیگر و مسدود کردن رگ در محل جدید است

ترومبوز : ترومبوز به معنی لخته شدن خون در داخل یک رگ خونی است

تشک مواج : تشک مواج نوعی تشک طبی است که با فشار هوا باد میشود

تعویض مفصل : تعویض مفصل نوعی عمل جراحی بازسازی مفصل و نوعی آرتروپلاستی است

تنگی کانال نخاع : تنگی کانال نخاع نام بیماری است که در آن کانال نخاعی بنا به عللی تنگ شده و به نخاع
که در درون آن قرار دارد فشار وارد میکند

تنه استخوان : تنه استخوان به قسمت وسط استخوان های بلند میگویند

تومور : تومور به معنای رشد غیر معمول یک بافت است که موجب یک برجستگی میشود

تومور بدخیم : تومور بدخیم نام گونه ای از تومورها است که در آن سلول های تشکیل دهنده تومور، غیر طبیعی و خارج از کنترل بدن هستند

تومور خوش خیم : تومور خوش خیم به معنی رشد غیر معمول یک بافت است که موجب برجستگی موضعی در محل میشود و سلول های تشکیل دهنده آن همان سلول های طبیعی بدن هستند

توموگرافی : توموگرافی نام یک روش تصویربرداری از بدن است که در آن تصاویر بصورت لایه ای بداشته میشود

جاناندازی باز : جاناندازی باز نوعی جاناندازی شکستگی یا دررفتگی است

جابجا کردن عصب : جابجا کردن عصب نوعی عمل جراحی بر روی عصب به شدت آسیب دیده است

جاناندازی بسته : جاناندازی بسته نوعی جاناندازی شکستگی یا دررفتگی بدون دیدن مستقیم محل آسیب است

جابجا کردن تاندون : جابجا کردن تاندون نوعی عمل جراحی برای درمان پارگی های شدید تاندون است

جمود مفصلی : جمود مفصلی به معنای خشکی شدید مفصل است

چرخش درشت نی : چرخش درشت نی نام بیماری مادرزادی است که در آن استخوان درشت نی در طول خود و حول محور طولی چرخیده است

چرخش ران : چرخش ران نام بیماری مادرزادی است که در آن استخوان ران در طول خود و حول محور طولی چرخیده است

خار پاشنه : خار پاشنه نام برجستگی استخوانی است که در زیر استخوان پاشنه وجود دارد

خشک کردن مفصل : خشک کردن مفصل نوعی عمل جراحی است که در آن غضروف سطحی استخوانها در محل مفصل برداشته شده و دو استخوان به یکدیگر جوش داده میشوند

خشکی صبحگاهی : خشکی صبحگاهی یکی از علائم بیماری های روماتیسمی بخصوص بیماری روماتیسم مفصلی یا آرتریت روماتوئید است

داروی شل کننده عضلات : داروی شل کننده عضلات به دارویی گفته میشود که موجب کاهش تونیسیتیه و سفتی و انقباض ذاتی عضلات ارادی میشود

دامنه حرکتی مفصل : دامنه حرکتی مفصل به محدوده ای میگویند که مفصل در آن محدوده توانایی حرکت دارد

دبریدمان : دبریدمان نوعی عمل جراحی است که در آن پزشک جراح بافت های مرده را از اندام بشدت آسیب دیده خارج میکند

دررفتگی : دررفتگی به وضعیتی میگویند که در آن دو سطح استخوانی که در کنار هم قرار گرفته و یک مفصل را ساخته اند نسبت به هم جابجا شوند

دررفتگی عاداتی : دررفتگی عاداتی نوعی دررفتگی است که به اختیار بیمار است

دررفتگی مادرزادی : دررفتگی مادرزادی به دررفتگی مفصلی میگویند که از بدو تولد نوزاد وجود دارد

دررفتگی مکرر : دررفتگی مکرر به هر دررفتگی مفصلی میگویند که بیش از یک بار ایجاد شود

دست چنبری : دست چنبری نوعی تغییر شکل مادرزادی اندام فوقانی است

دست چنگالی : دست چنگالی نوعی تغییر شکل دست است که در آن انگشتان دست به طریقی خم میشوند که شکل یک چنگال را به خود میگیرند

دست خرچنگی : دست خرچنگی نوعی تغییر شکل مادرزادی دست است که در آن یک انگشت دست وجود ندارد

دستکاری مفصل : دستکاری مفصل یا مانیپولاسیون مفصل نام روشی است که در درمان بعضی مشکلات سیستم اسکلتی بکار برده میشود

دیسپلازی استخوان : دیسپلازی استخوان به معنای تغییر در شکل استخوان به علت اختلال در روند رشد آن است

دیسپلازی فیبرو : دیسپلازی فیبرو نام یک تومور خوش خیم استخوانی است

دیسپلازی مفصل ران : دیسپلازی مفصل ران نام بیماری مادرزادی است که به علت تغییر شکل حفره استابولوم ایجاد میشود

دیستروفی عضلانی : دیستروفی عضلانی نام دسته ای از بیماری ها است که موجب تغییر در بافت عضلانی بدن شده و کارکرد آن را مختل میکند

دیسک : دیسک که نام کامل آن دیسک بین مهره است نام یک ساختار غضروفی است که به شکل یک استوانه با ارتفاع کم بوده و در بین مهره ای ستون فقرات قرار گرفته است

رادیوتراپی : رادیوتراپی یا پرتودرمانی به معنای درمان با اشعه گاما است

رادیوس : رادیوس نام استخوانی در ساعد است

رادیوگرافی : رادیوگرافی نام روشی تصویربرداری است که با استفاده از اشعه ایکس یا رونتگن انجام میشود

راشیتیسسم : راشیتیسسم یا ریکتز نام یک بیماری متابولیسم استخوانی است

راموس پوبیس : راموس پوبیس قسمتی از لگن خاصره است که به شکل یک میله در جلوی آن قرار گرفته است

رباط : رباط یا لیگامان نوار بافتی محکمی است که در اطراف مفصل قرا دارد

رفلکس : رفلکس یک واکنش در بدن موجود زنده است

روتاتور : روتاتور به معنای چرخاننده است. عضلاتی که موجب چرخش یک یک اندام شوند را عضلات روتاتور مینامند

زخم بستر : زخم بستر زخمی پوستی است که معمولاً بر اثر خوابیدن زیاد در بستر ایجاد میشود

زخم فشاری : زخم فشاری زخمی پوستی است که معمولاً بر اثر خوابیدن زیاد در بستر ایجاد میشود

زردپی : زردپی یک طناب بافتی بسیار محکم و قابل انعطاف است که از یک طرف به عضله و از طرف دیگر به استخوان متصل میشود

زند زبرین : زند زبرین نام استخوانی در ساعد است

زند زیرین : زند زیرین یکی از دو استخوان تشکیل دهنده ساعد میباشد

سارکوم : سارکوم نام عمومی برای دسته ای از تومور ها است که منشأ آنها سلول های استخوان، غضروف، عضله، رگ و یا چربی است

سازیتال : سازیتال صفحه ای فرضی است که از وسط بدن عبور کرده و آن را به دو قسمت چپ و راست تقسیم میکند

ستون مهره : ستون مهره یا ستون فقرات ساختمانی است که از سر تا لگن امتداد دارد و تنه در اطراف آن شکل گرفته است

سندروم : سندروم به معنی مجموعه ای از علائم بیماری است که به توسط پزشک مشاهده میشود و یا به توسط بیمار احساس میشود

سوکت : سوکت قسمتی از اندام مصنوعی یا پروتز است که انتهای اندام قطع شده در درون آن قرار میگیرد

سونوگرافی : سونوگرافی نام یک روش تصویربرداری است که در آن از امواج صوتی استفاده میشود

سیاتیک : سیاتیک نام عصبی در اندام تحتانی است

سیاهرگ : سیاهرگ یا ورید نوعی رگ خونی است که خون را از اعضاء و بافت ها به قلب برمیگرداند

سی تی اسکن : سی تی اسکن نوعی روش تصویربرداری با اشعه ایکس است

سیستم هاورس : سیستم هاورس واحد تشکیل دهنده استخوان است

سیستوگرافی : سیستوگرافی نام روشی تصویربرداری از مثانه است که با استفاده از اشعه ایکس صورت میگیرد

سیمان استخوانی : سیمان استخوانی به ماده شیمیایی خاصی میگویند که در بدن برای چسباندن استخوان بکار برده میشود

سینو وکتومی : سینو وکتومی نوعی روش جراحی ارتوپدی است

سینوویال : سینوویال نام دسته ای از سلول های مفصلی است

سینوویت : سینوویت به معنی التهاب بافت سینوویال است

شانه منجمد: شانه منجمد یا شانه یخ زده به معنای محدودیت شدید حرکتی در مفصل شانه است

شبکه عصبی : شبکه عصبی شبکه ای است که از به هم پیوستن ریشه های عصبی خارج شده از نخاع تشکیل میشود

شریان : شریان یا سرخرگ نوعی رگ خونی است که خون را از قلب به دیگر اندام های بدن انتقال میدهد

شکستگی دررفتگی : شکستگی دررفتگی به معنای وجود همزمان شکستگی و دررفتگی است

فتق دیسک : فتق دیسک به معنای بیرون زدگی قسمت مرکزی دیسک بین مهره است

فلج مغزی : فلج مغزی نام مشترک تعدادی بیماری است که موجب آسیب به مغز و عدم رشد مناسب آن در دوران جنینی یا بعد از زایمان میشود

فلکسور : فلکسور نام تاندون های خم کننده اندام فوقانی یا تحتانی هستند

فلکسیون : فلکسیون به معنای خم شدن یا خم کردن یک مفصل است

فemor : femor به معنای استخوان ران است

فemorال : femoral به معنی منسوب به femor یا استخوان ران است

فون رکلینگ هاوزن : فون رکلین هاوزن نام بیماری ژنتیکی است که به آن نوروفیبروماتوز هم میگویند

قدام : قدام به معنی جلو است

کانال نخاعی : کانال نخاعی به فضای استخوانی میگویند که نخاع در درون آن قرار دارد

کلاپس مهره : کلاپس مهره به معنی خرد شدن مهره در ستون فقرات است

کلاهیک چرخاننده : کلاهیک چرخاننده یا روتاتور کاف نام دسته ای از عضلات در ناحیه شانه است

کمر بند شانه ای : کمر بند شانه ای به استخوان هایی میگویند که اندام فوقانی از طریق آنها به تنه متصل میشود

کیفوز : کیفوز به معنی انحراف ستون مهره به جلو است

گانگرن : گانگرن به معنی مردن یک عضو یا اندام است

گرافت استخوانی : گرافت استخوانی به معنی استخوانی است که از یک مکان به مکان دیگر انتقال داده میشود

گیلن باره : گیلن باره نوعی بیماری اعصاب محیطی است

لترال : لترال به معنی دورتر به صفحه محوری بدن است

لوردوز : لوردوز به معنای افزایش گودی کمر است

لیگامان : لیگامان یا رباط نوار بافتی محکمی است که در اطراف مفصل قرا دارد

متاستاز : متاستاز به معنی انتقال سلول های سرطانی به مناطق دور از تومور اولیه است

مننگوسل : مننگوسل به معنی بیرون زدگی پرده اطراف نخاع یا ریشه های عصبی نخاع از پشت مهره است

منیسک : منیسک ساختمان های هلالی شکلی از جنس شبیه غضروف هستند که در داخل مفصل زانو قرار دارند

منیسکتومی : منیسکتومی نوعی روش جراحی است که در آن منیسک از داخل زانو خارج میشود

مهره : مهره واحد تشکیل دهنده ستون فقرات است

میلوگرافی : میلوگرافی نوعی روش تصویربرداری پزشکی است

میوزیت : میوزیت به معنای التهاب عضله است

نخاع : نخاع قسمتی از دستگاه عصبی مرکزی است که از مغز خارج شده و در زیر آن قرار دارد

نقرس : نقرس نام یک بیماری متابولیکی است که بر اثر افزایش سطح اسید اوریک خون ایجاد میشود

نقرس کاذب : نقرس کاذب نوعی بیماری متابولیکی است که بر اثر رسوب کریستال های فسفات کلسیم در مفاصل ایجاد میشود.

نکروز : نکروز به معنی مردن سلول های یک بافت است

نوروپاتی : نوروپاتی به معنای آسیب به اعصاب محیطی (اعصاب خارج از مغز و نخاع) است

نوروپارکسی : نوروپارکسی نوعی اختلال در عملکرد اعصاب محیطی است

نورولیز : نورولیز نوعی عمل جراحی است که در آن چسبندگی عصب به بافت های اطراف آزاد میشود

نوروما : نوروما به معنی رشد بیش از حد سلول های عصبی است

نوروم مورتون : نوروم مورتون بزرگ و برجسته شدن عصبی است که از کف پا عبور کرده و به انگشتان میرود

نورون : نورون همان سلول عصبی است

نیمه دررفتگی : نیمه دررفتگی به دررفتگی خفیف یا ناقص میگویند

ورزش ویلیامز : ورزش ویلیامز نام دسته ای از حرکات نرمشی است که در پیشگیری و درمان کمردرد مورد استفاده قرار میگیرد

هپارین : هپارین نام یک داروی ضد انعقادی تزریقی است

هرنی دیسک : هرنی دیسک همان فتق دیسک بین مهره ای است

منابع :

۱. **Medical Terminology Abbreviation.2010**
۲. **Common Medical Terminology.2014**
۳. منابع اینترنتی
۴. جزوات آموزشی رشته مدارک پزشکی
۵. آناتومی بدن مرد دکتر فرخ سیف بهزاد چاپ دوم ۱۳۷۹ نشر دایره